# بايدها و نبايدهاي عزاداري

## مشخصات كتاب

نویسنده: ناصر باقري بيدهندي  
ناشر: ناصر باقري بيدهندي

## سوگواري در اسلام

عزاداري و سوگواري هدفمند بر عزيزان از دست رفته، طبيعي بشر است و از مهر و محبت سرچشمه مي‌گيرد و از آغاز آفرينش تا عصر حاضر رواج داشته است، لكن در اين نوشته به رويكرد اسلام در اين باره پرداخته مي‌شود.با مراجعه به منابع معتبر مي‌توان دريافت كه پيامبر خاتم‌صلي الله عليه وآله در مرگ بسياري از افراد گريست؛ مانند گريستن بر حمزه، جعفر، ابراهيم و عثمان بن مظعون. [1] سال وفات حضرت خديجه و جناب ابوطالب را در مكه، عام الحزن، يعني سال عزا ناميد و سفارش به برگزاري مجالس عزا فرمود. [2] و مسلمانان نيز براي شهداي صدر اسلام سوگواري كرده و مرثيه‌خواني كردند و پيامبرصلي الله عليه وآله نه تنها آنان را از اين كار نهي نفرمود، بلكه عمل آنان را تأييد فرمود.به دنبال ارتحال حضرت محمّدصلي الله عليه وآله، صحابه بزرگوار آن حضرت از دوري او به شدت گريستند، و در رثاي حضرت سرودهايي انشاء كردند؛ [3] چنانكه عايشه در مصيبت وفات پيامبرصلي الله عليه وآله بر صورت خود سيلي زد. [4] و اما از سال 61 هجري كه پيشواي آزادگان حضرت اباعبداللَّه الحسين‌عليه السلام با ياران و اهل بيت ايثارگرش، در سرزمين كربلا با لب تشنه در كنار فرات با وضعيتي دلخراش و بي‌سابقه و به گونه‌اي مظلومانه به شهادت رسيد، سوگواري به مدرسه سيار عمومي تبديل شد تا براي تربيت و احياي امر پيامبر و ائمّه‌عليهم السلام به صورت الهام درآيد و وسيله‌اي براي روشن شدن حق از باطل و شناخت حسينيان از يزيديان باشد.

## حكم عزاداري

در خصوص جواز اشك ريختن در غم از دست رفتگان، همه مذاهب اسلامي اتفاق نظر دارند. اما درباره گريه با صداي بلند، شيعه، شافعيان و حنبليان حكم به جواز كرده‌اند. [5] (گرچه در مقام عمل و در مرحله انجام بيشتر اهل سنّت به گريه كردن شيعه خرده مي‌گيرند.)فقيه ماهر، صاحب جواهر در اثر گرانسنگ خود جواهر الكلام مي‌نويسد: بدون شك گريستن بر متوفا به دليل روايات متعددي كه به حد تواتر معنوي رسيده و فتاواي فقها جايز است. و آنگاه به روايات گريستن رسول خداصلي الله عليه وآله بر حمزه سيد الشهداء و فرزندش ابراهيم و جز آنان عثمان بن مظعون [و نيز گريه حضرت فاطمه‌عليها السلام بر پدر بزرگوار و خواهرش رقيه] و گريه ممتد و طولاني امام زين‌العابدين بر پدر بزگوارش، اشاره مي‌كند و سپس مي‌فرمايد: تمام اين موارد نشان دهنده اين واقعيت است كه ندبه و نوحه‌سرايي براي كساني كه داراي ويژگي‌هاي برجسته‌اند، مانعي ندارد، بلكه مستحب است تا در پرتو مجالس عزا، فضايل و مكارم آنان نشر يابد و ديگران سرمشق و الگو بگيرند.صرف‌نظر از لزوم ياد ايام اللَّه، و لزوم تعظيم شعائر الهي [6] و لزوم مودت نسبت به اهل بيت‌عليهم السلام و مواسات با اهل بيت و اخبار و احاديث متعدد و عمل پيامبرصلي الله عليه وآله و رفتار ائمّه معصومين‌عليهم السلام و سيره مستمر كه بر مشروعيت عزاداري در دست است مي‌توان گفت برپايي اين گونه مجالس امري عقلايي و در تمام مناطق جهان معمول است كه در برابر حوادث شخصي و يا اجتماعي مراسمي تشكيل داده و به سوگ مي‌نشينند.بنابراين عزاداري نه تنها جايز بلكه با توجه به آثار مترتبه و فوائد آن امري است رايج و مورد قبول تمامي خردمندان و اهل دانش مي‌باشد.مؤمنان با شهادت امام حسين‌عليه السلام عزادار شدند گريستند [7] مرثيه گفتند و به زيارت مزار شهيدان شتافتند. و تا زماني كه اسلام در صحنه است و پيامبر خاتم پيرو دارد اين عزاداري باقي خواهد ماند، زيرا لازمه محبت بر آل پيامبر و اداي حقوق آنان، عزاداري است و مراسم سينه زدن و زنجير زدن و حركت دسته‌هاي سينه‌زني در خيابان‌ها و بازارها و روشن كردن چراغ‌ها و بلند كردن علم‌ها و پرچم‌ها قرن‌هاست كه جريان داشته است و مورد تأييد علما و مراجع بزرگ در مقام فتوي و عمل بوده است. اگر اين مراسم جايز نبود بزرگان دين خاصه آنان كه داراي نفوذ و قدرت بودند از آن نهي مي‌كردند. سكوت آن گراميان و حضورشان در اين مراسم، دليل تأييد آنان است.فقهاي اسلام‌شناس بقاي عاشورا را ضامن بقاي اسلام و عزت مسلمين مي‌دانستند و لذا توصيه مي‌كردند عاشورا را زنده نگه داريد.

## تاريخچه مجالس عزاداري حسيني

از روزگار نخست خلقت آدم‌عليه السلام تا زمان وقوع حادثه جانگداز كربلا، جريان شهادت سيد و سالار شهيدان امام حسين‌عليه السلام به طرق مختلف مطرح گرديده است.براي آن امام همام، انبياء و امامان گريسته و يا متألم شده‌اند و از ضجيج فرشتگان و بكاء آنان در كتب مشهور، سخن به ميان آمده است!صحابه بزرگوار رسول خداصلي الله عليه وآله نيز پس از آگاهي از حوادثي كه در آينده اتفاق خواهد افتاد براي امام حسين‌عليه السلام گريه كرده‌اند در حالي كه آن بزرگوار هنوز چشم به جهان نگشوده بود.پس از وقوع حادثه كربلا اولين كساني كه اين مصيبت عظما را با چشماني اشكبار و دلي تافته از غم و حزن گزارش مي‌كردند و بر خرمن هستي هر جنبنده‌اي آتش مي‌افكندند، حضرت سجادعليه السلام و عقيله بني‌هاشم، زينب كبري‌عليها السلام و ديگر بازماندگان عاشورا بودند. آنان گاهي در كنار اجساد قطعه‌قطعه شده شهيدان، زماني در بازار و كنار دروازه‌ها، گاهي در مجالس عمومي، زماني در مسجد و در جمع نمازگزاران و گاهي در حضور حاكمان و فرمانروايان ستمگر و ظالمي همچون عبيداللَّه بن زياد به بيان مصائب و ظلمي كه بر شهيدان رفته بود مبادرت مي‌ورزيدند.امام زين‌العابدين‌عليه السلام پيوسته سوگوار عاشورا بود و در اين مصيبت بزرگ مدت سي و پنج سال گريست و اهتمامش بر اين بود كه واقعه كربلا را در برابر ديدگان مردم مجسم سازد و آن را زنده نگاه دارد.امام باقرعليه السلام كه در واقعه غم‌انگيز كربلا حضور داشت ذكر مصيبت عاشورا را در صحراي عرفات نيز توصيه مي‌نمود. و امام صادق‌عليه السلام فرمود: پدرم هرگاه از مصيبت سيدالشهداءعليه السلام ياد مي‌كرد، اشك از ديدگانش جاري مي‌شد. ايشان در بيت شريف خود فضا و مقدمات گريستن را مهيا مي‌ساخت. محرم الحرام ماه حزن اهل بيت‌عليهم السلام بود و در اين ايام غم و اندوه بر امام كاظم‌عليه السلام چيره مي‌شد. امام علي بن موسي الرضاعليه السلام نيز اهميت فراواني به عزاداري امام حسين‌عليه السلام مي‌داد. قصيده دعبل كه در حضور آن جناب در رثاي ابا عبداللَّه‌عليه السلام خوانده شده بسيار معروف است. و نيز آن امام همام به بازماندگان در شهر مدينه، ادامه اين راه را توصيه مي‌نمود. و ديگر امامان معصوم‌عليهم السلام هر يك در زمان خود در ترويج اين سنّتِ سَنِيّة كوشا بودند و گاه خود از مصائب جدشان ياد كرده، به شدت مي‌گريستند و ديگران را مي‌گرياندند و ابراز احساسات در رابطه با مصائب جانسوز كربلا را از عالي‌ترين عبادات و ارزش‌ها مي‌دانستند. اگر حادثه عاشورا يكي از روشن‌ترين فصول تاريخ شيعه است از اين روست كه اهل بيت در هر فرصتي به گزارش حادثه پرداخته و جزئيات واقعه را تشريح كرده‌اند.پس از زمان ائمّه‌عليهم السلام هاديان امت به تأسي از مقامات عصمت و طهارت اين راه را با پيگيري و پايداري پيموده‌اند و عزاداري امام حسين‌عليه السلام توسط وارثان مكتب اهل بيت، رونق خود را حفظ كرده است.پيروان صادق آن بزرگواران (خواص شيعيان) و عارفان به مقام امامت نيز با تأسي به انبياء و اولياء و تبعيت از رويه مراجع بزرگ تقليد شيعه به اين سيره حسنه عمل كرده‌اند و هرگاه شرايط مهيا شده، آشكارا به عزاداري پرداخته‌اند.بنا بر گزارشهاي تاريخي در عصر مأمون و بعضي ديگر از خليفگان عباسي كه شيعيان آزادي عمل مختصري داشتند به طور آشكار به عزاداري سرور شهيدان مي‌پرداختند. اما بعد از معتصم به دليل سختگيري حاكمان ستمگر، عزاداري غالباً به صورت مخفي انجام مي‌شد تا در سال 352 هجري معزالدوله ديلمي - يكي از سلاطين بزرگ و مقتدر آل بويه - عزاداري روز عاشورا را به طور رسمي در بغداد معمول ساخت. [8] .و در مصر نيز خلفاي فاطمي به عزا و ماتم مي‌پرداختند. [9] در شهره قاهره كه تازه آن را بنا كرده بودند، مانند بغداد، در روز عاشورا دسته عزاداري راه مي‌افتاد. و از آن زمان به بعد مراسم عزاداري با شدت و ضعف ادامه يافت. تا زمان تيموريان كه رونقي جدي گرفت و چنين بود كه اين حركت به ساير كشورهاي آسيايي نظير ايران، برخي كشورهاي عربي و شمال آفريقا رسوخ كرد و در عصر صفويه رونق كامل يافت. توجه مردم ايران به عزاي حسيني زبانزد خاص و عام بوده و هست و ان شاء اللَّه تعالي خواهد بود.از بركت خون امام حسين و ياران جان‌باخته‌اش امت مسلمان هر سالي پر شورتر از سال قبل، ياد و خاطره سالار شهيدان و فداكاري‌هايشان را پاس داشته‌اند. در بلاد شيعه آن اندازه كه مجلس تذكر به ياد اولياي الهي، خصوصاً به ياد فداكاري بي‌نظير سيد الشهداءعليه السلام تشكيل مي‌شود هيچ مجلسي ديني و سياسي و ادبي و اجتماعي ديگري منعقد نمي‌گردد.اهميت عاشورا به اندازه‌اي است كه نه تنها شيعيان، بلكه بسياري از اهل سنّت نيز در آن روز عزاداري مي‌كنند [10] زيرا محبت ذوي القرباي پيامبرصلي الله عليه وآله تنها اختصاص به شيعيان ندارد. حتي پيروان ديگر اديان و مذاهب الهي، براي امام حسين‌عليه السلام و مراسم سوگواري آن حضرت احترام قائلند و وقتي نام مقدسش را مي‌شنوند در خود احساس همبستگي و ارتباط و گاه شيدايي مي‌كنند و در تشكيل مجالس عزا، بويژه در عاشوراي حسيني، اهتمام مي‌ورزند و بخشي از ثروت و ساعت‌ها از وقت خود را به اين امر مقدس اختصاص مي‌دهند و در ماه حزن و اندوه آل محمّدصلي الله عليه وآله محزون‌اند و از مدرسه عشق و ايثار او بهره مي‌برند. گمان نمي‌كنم كسي در ميان مدافعان حق و حقيقت و شهداي راه فضيلت شخصي نظير امام حسين‌عليه السلام ديده باشد كه پيروان همه مذاهب اين گونه از او ياد كنند. و نيز هيچ حادثه‌اي را در عالم نمي‌توان نشان داد كه چنين تأثيري داشته باشد و ملت‌هاي مختلف را تحت تأثير قرار داده باشد.حادثه جانگداز طف چنان اثر عميقي بر اركان تشيع گذاشت كه اقشار مختلف به فراخور حال و درجه كمال، به ايفاي رسالت پرداختند:تاريخ‌نگاران و نويسندگان متعهد و آگاه در بعد نظري و عملي و جنبه‌هاي حماسي قيام عاشورا در حد توان بعدي از ابعاد آن را ديده و كاويده و از آن دريا سبويي به ارمغان آورده و كتاب‌ها و رساله‌هاي بيشماري نگاشته‌اند. [11] .عاشقان دلباخته نهضت عاشورا مجالس ذكر اهل بيت برپا داشته، شاعران مكتب آل اللَّه با سروده‌هاي آتشين، ضمن ابراز سوز و گداز دروني خويش، حماسه و خروش دلاورمردان عرصه طف را به بهترين وجه و مهيج‌ترين شكل به تصوير كشيده‌اند. اشعار ارزنده و دلنشين اين قشر همواره در خاطره‌ها جاويد و باقي است.واعظان متعظ و ذاكران متعهد با ايراد سخنراني‌هاي پرشور و حزن‌انگيز، شراره‌هاي غم و اندوه به خرمن دل‌هاي عاشقان حسيني زده، با تواضع و خاكساري تمام به روضه جانكاه شهيدان دشت كربلا دست يازيده، و مرثيه‌سرايي نمودند و با ذكر مصيبت‌هاي عاشوراييان، و اشك و آه شيعيان حاضر در مجلس رنگ و بوي خاصي به محافل بخشيدند كه هر كدام در حد اخلاص خود، مثاب و مأجور خواهند بود.در يك سخن هيئت‌هاي مذهبي، چنان عظمت و جاذبه‌اي داشته كه قلوب توده‌هاي وسيعي از علاقه‌مندان به آن پركشيده و خواهد كشيد.آري اين گونه بود كه ياد محرم 61 ه و حماسه‌سازان قيام خونين عاشورا پا به پاي عصرها و نسل‌ها در بستر تلاطم تاريخ شكوفا ماند و فراز و نشيب‌هاي تاريخي آن را محو نكرده بلكه به عنوان عنصري زنده و پويا و نقطه عطفي درخشان، نقش‌آفريني مي‌كند.

## اهداف برپايي مراسم

### اشاره

اين مراسم بابركت از دير باز نقشي فعال در رشد باورهاي مذهبي و فضايل و كرامت‌هاي انساني و فراموش نشدن خاطره سلحشوران عاشورا و شناساندن مقام پيشوايان بزرگ اسلام و افشاگري جنايت‌هاي بيدادگران، ايفا كرده است كه ما در اينجا به شماري از آثار و فوايد آن اشاره مي‌كنيم!اقامه عزاي حسيني بزرگداشت شعائر الهي و نمايش جلوه تام و تمام تولّي و تبرّي است.هدف امامان اهل بيت‌عليهم السلام از اين همه پافشاري بر زنده نگهداشتن نام و ياد و خاطره مقاومت بزرگ حامي حق، امام حسين‌عليه السلام احياي اهداف و مقاصد والاي آن حضرت و ابلاغ مظلوميت آل علي‌عليه السلام به گوش تاريخ بوده است. و هر جمعيتي كه از فداكاران و شخصيت‌هاي خدوم خويش تكريم نكند محكوم به زوال و نابودي است.اين امر عزاداري و مجالس حسيني به دليل قالب و محتواي جذابي كه دارد، بهترين راه انتقال معارف اسلامي و احكام الهي و صيانت دين از انحراف و از هجوم بي‌امان دشمنان قسم خورده است. كه به عنوان يك حركت تبليغي در عرصه‌هاي گوناگون، در برابر انديشه‌هايي كه از طريق جريان‌هاي لائيك يا از سوي ابزارهاي استكبار جهاني رو در روي اسلام مي‌ايستند مقاومت مي‌كند.و همين است معناي «إِنَّ الْحُسَيْنَ مِصْباحُ الْهُدي وَ سَفِينَةُ النَّجاةِ» [12] اگر قيام شكوهمند و خوبنار حسيني نبود، در همان قرن اول خورشيد اسلام افول مي‌كرد، و از شريعت نبوي اثري بر جاي نمي‌ماند.تعبير بلند پيامبر اكرم‌صلي الله عليه وآله كه فرمود «حسين از من و من از حسينم» [13] تجلي نقش قيام حسيني در بقاي اسلام است و جمله‌اي كه مي‌فرمايد: «إِنَّ الإِْسْلامَ مُحَمَّدِيُّ الْحُدُوثِ وَ حُسَيْنِيُّ الْبَقاءِ» [14] در همين راستا قرار مي‌گيرد.اگر اسلام در وجود و حدوثش مديون محمّدصلي الله عليه وآله بود، در تداوم و پايداريش مرهون سالار مدافعان حريم حقيقت، حسين‌عليه السلام است. پس نبايد فراموش كرد كه ما هرچه داريم از حسين‌عليه السلام داريم، زيرا شهادت اوست كه تا دامنه قيامت دستورات اسلام را براي ما زنده نگه مي‌دارد.همچنين با تشكيل چنين اجتماعي، روحيه فداكاري و ايثار در اجتماع و حس عدالت‌خواهي و انتقام‌جويي از ستمگران زنده نگاه داشته و تقويت مي‌شود و صبر و خويشتنداري در مشكلات و ناهنجاري‌ها افزون مي‌گردد.و نيز يادآوري نهضت حسيني نيرومندترين انگيزه‌ها را در جهت توسعه امر به معروف و جلوگيري از زشتي‌ها ايجاد مي‌كند، و آتش انقلاب‌هاي خونين بر عليه ستمگران را برافروخته مي‌سازد.در اين گونه مجالس با امامان تجديد بيعت شده و اجر رسالت طاقت‌فرساي نبوي تا حدودي ادا مي‌گردد، چرا كه حضور در اين مجالس، تأييد ضمني افكار و اهداف والاي حضرت اباعبداللَّه‌عليه السلام كه همان منويات پيامبر عظيم‌الشأن‌صلي الله عليه وآله مي‌باشد، محسوب مي‌گردد.امروزه مجالس امامان اهل بيت‌عليهم السلام همچون حج ابراهيمي يكي از عوامل مهم اتحاد عاطفي، سياسي، فرهنگي و اجتماعي مسلمانان است، [15] اتحادي كه فراهم ساختن آن با پول و امكانات مادي، دشوار و بلكه نزديك به محال است.برپايي مجالس عزاداري حسيني به نمايش گذاردن زيباترين تصاوير از كرامت‌هاي انساني است كه با دست تواناي ولايت ترسيم شده است.در اين مجالس روح و روان انسان با ياد شهيدان آزاده و شنيدن شرح از خود گذشتگي آنها به اهتزاز درمي‌آيد و آسماني مي‌شود.دوستدار ابا عبداللَّه الحسين‌عليه السلام اگر از معرفت لازم برخوردار باشد، در صدد برمي‌آيد تا حد امكان صفات و سجاياي خويش را مانند محبوبش كند، آينه رخسارش شود و روز به روز به شفافيت خويش بيفزايد، تا جمال دلاراي محبوب در آن بهتر نمايان گردد. به قول مقام معظم رهبري:حركت موكب‌هاي حسيني در دهه اول ماه محرم به مانند جاري شدن آب باران است كه تمام پليدي‌ها و تلقينات فاسد دشمنان را از محيط جامعه مي‌زدايد و به آن روح تازه‌اي از عشق و ايمان الهي مي‌دمد.همين اشك‌ها در مجالس عزا بوده كه در طي چند قرن هزاران نفر را به آغوش اسلام ناب محمّدي رهنمون شده است. [16] در پرتو اين مجالس كه خود از شعائر اسلامي است، بسياري از شعائر دين احيا مي‌گردد.مردم شهيدپرور ايران شاهد بودند كه انقلاب اسلامي ايران از اين مجالس و اين تاريخ پر عظمت و از عاشوراها و تاسوعاها سرچشمه گرفت. [17] و انقلابيون، از نهضت امام حسين‌عليه السلام و ماجراي خونين كربلا، الهام گرفته در راه پايداري در برابر كفر و ستم را از آن حضرت آموختند.آري بي‌جهت نبوده كه بزرگ مرجع تقليد شعيه در عصر خود مرحوم آيت اللَّه العظمي حاج آقا حسين طباطبايي بروجردي - اعلي اللَّه مقامه - ثلث مال خود را وقف اقامه مجالس عزاداري امام حسين‌عليه السلام نمود تا همه ساله با نظارت اوصياء ايشان مصرف شود. [18] .حال كه سوگ حسيني، تا اين درجه بركت و اهميت دارد، بايد آن را مغتنم شمرد و رسم و رسومش را باشكوه‌تر و سازنده‌تر برگزار نمود و همچون گوهري گرانبها از آنها محافظت نمود.فريادهاي بعضي از عالمان شيعه مانند: محدث والا مقام ميرزا حسين نوري در كتاب لؤلؤ و مرجان علّامه سيد محسن امين در رساله التنزيه لاعمال الشبيه و استاد شهيد آيت اللَّه مرتضي مطهري در كتاب حماسه حسيني را نبايد فراموش كرد كه هر يك در اصل ناظر به همين نكته بنيادين است.اگر بعضي مقتل‌نويسان در مورد برخي بدعت‌ها و تحريف‌ها پيرامون عزاداري حضرت ابا عبداللَّه الحسين‌عليه السلام كوتاهي نمي‌كردند و فقيهان و سخنوران برجسته - كثراللَّه امثالهم - مانند گذشته مجالس حسيني را اداره مي‌كردند و روضه‌خواني و ذكر مصيبت را با مقام علمي خود در تعارض نمي‌ديدند و توصيه‌هاي راهبردي محدث نوري‌ها، علّامه بيرجندي‌ها، محدث قمي‌ها، شهيد مطهري‌ها و مراجع عظام تقليد [19] مورد توجه قرار مي‌گرفت، و مسير عزاداري‌ها به سمتي كه معصومين‌عليهم السلام خواسته بودند، هدايت مي‌شد و مرثيه‌خوانان به قيمت گرمي يك مجلس، دروغ‌هاي سرد به كربلا نمي‌بستند، و جامعه محترم مداحان نظارت مستمر بر روند اجراي مداحي‌ها داشتند. و رشد فكري مردم ولايي بدان پايه بود كه ضرورت بازنگري در مجالس حسيني را باور مي‌كردند، همه آثار مقدس و مهمي كه مورد توجه پيشوايان شيعه در ترغيب به تعزيت و تشويق به سوگواري و تحضيض به عزاداري و تحريص به اقامه مراسم تأبين بوده است، بهره‌برداري مي‌شد.اكنون نيز مي‌توان با زودن آفات و پالايش و پيراستگي آن از سنّت‌هاي غلط از اين گوهر گرانبها محافظت نمود و از قدرت سازندگي بسيار بالاي آن برخوردار شد. و تحول بزرگي در برابر كفر و استكبار به وجود آورد.

### عوامل مؤثر در جاودانگي، گسترش و تحول مراسم عزاداري

### تشويق و ترغيب شاعران آييني به مرثيه سرايي

نك: كامل الزيارات، ص 114-111.امامان معصوم - كه درود خدا بر آنان بود - هنگامي كه شاعران متعهد و مرثيه‌سرايان خاندان پيامبرصلي الله عليه وآله به حضورشان شرفياب مي‌شدند آنان را مورد تشويق و دلجويي قرار مي‌دادند و از ايشان مي‌خواستند سروده‌هاي خود را در رثاي سيد الشهداءعليه السلام در حضورشان بخوانند. [20] .زيد شحام گويد: با گروهي در حضور امام صادق‌عليه السلام بودم كه جعفر بن عفان طائي (م: 15 ه. ق) از مرثيه‌سرايان بنام شيعي وارد شد. حضرت احترام شاياني كرده او را نزد خويش نشاند و فرمود: شنيده‌ام در رثاي حضرت حسين‌عليه السلام اشعار شايسته‌اي سورده‌اي، آيا درست است؟او گفت: آري.فرمود: بخوان.او اشعار خود را قرائت كرد و امام‌عليه السلام و حاضران متأثر شده، گريه كردند و قطرات اشك از گونه‌هاي امام سرازير شده آنگاه فرمود: اي جعفر، سوگند به خدا، فرشتگان مقرب الهي در اين مجلس حاضر شدند و سروده تو را در مورد حسين‌عليه السلام شنيدند. آنان بيش از ما گريستند. خداوند در اين زمان بهشت را بر تو واجب ساخت و تو را آمرزيد. و در پايان فرمود: هر كه شعري در مرثيه حسين‌عليه السلام بسرايد و گريه كند و بگرياند خداوند بهشت را بر سراينده واجب كرده او را مي‌آمرزد. [21] .شايان ذكر آنكه گاهي خود امامان اهل بيت مرثيه‌هاي بلند و شيوايي انشاء مي‌كردند. [22] و گاه علاوه بر بزرگداشت معنوي شاعران، با دادن صله، آنان را تشويق و تكريم مي‌كردند.يا عطاياي امام باقرعليه السلام به كميت، و هداياي امام صادق‌عليه السلام به اشجع سلمي و تشكرش از سيد حميري و همچنين صله دادن امام هشتم‌عليه السلام به دعبل خزاعي و ابراهيم بن عباس همه و همه حاكي از اين حقيقت است و نشان مي‌دهد كه برپايي مراسم ماتم داري براي شهيدان كربلا در سيره آن بزرگان اهميت وافري داشته است.اين اهتمام‌ها و تشويق‌ها سبب شد كه رخداد بي‌بديل كربلا همواره زنده و پويا بماند و نام نامي سيدالشهداءعليه السلام شعار بنيادين انقلابيون عليه ظلم گردد و به تعداد شاعران متعهد و انقلابي روز به روز اضافه گردد.هدايايي كه امام سجادعليه السلام به فرزدق داد و دعايي كه در حق كميت اسدي كرد.

### گريستن و گريانيدن

اشك و ندبه مثبت در مصيبت سيدالشهداء و [23] برادران و يارانش شيوه ديگري است كه كارايي بسزايي در جاودانگي نهضت حسيني داشته و مورد تأكيد عترت طاهره بوده است. آن بزرگواران در سوگ امام شهيدان و اصحابش هم خود اشك ريخته و گريه مي‌كردند [24] و هم ديگران را بر گريه و ندبه و تباكي [25] تشويق مي‌كردند. زيرا در بسياري از روايات به طرق مختلف به گريستن و گرياندن توصيه شده است. از جمله امام علي بن موسي الرضا - عليه آلاف التحية و الثنا - به ريان بن شبيب (دايي معتصم) فرمود: اگر مي‌خواهي بر چيزي بگريي، بر حسين بن علي‌عليه السلام مويه كن چرا كه سر آن بزرگوار از بدن جدا شد. [26] .اين گونه احاديث انگيزه‌اي قوي براي شيفتگان امام حسين‌عليه السلام ايجاد نمود تا خود را از اين بارش مغفرت و ريزش رحمت رحماني محروم نسازند.اگر اين گريه‌ها و يادها نبود، چه بسا حادثه نينوا از خاطره‌ها محو مي‌شد و يا از طراوت و نشاط مي‌افتاد. و كسي امروز امام حسين‌عليه السلام را نمي‌شناخت و راه حسين گم شده بود.

### توصيه و ترغيب به زيارت سرزمين كربلا و سالار شهيدان

از شيوهايي كه مرزبان آيين براي ماندگاري حماسه عاشورا به كار گرفتند، توجه فراوان به زيارت امام حسين‌عليه السلام بود. به طوري كه حجم قابل توجهي از روايات كتاب پرارج كامل الزيارات، و كتاب‌هاي مزار به عبارت‌هاي مختلف اين مطلب را مي‌رساند. در اعياد، در ايام عزا، در شب‌هاي قدر و ايام و ليالي مخصوص عبادت و شب‌ها و روزهاي جمعه به زيارت سيدالشهداءعليه السلام توصيه شده و براي آن ثواب‌هاي بي‌حدي ذكر نموده‌اند. در سايه توصيه و ترغيب و تشويق عاشقان براي زيارت، خاطره عاشورا و فداكاري‌هاي حسين‌عليه السلام و يارانش زنده نگاه داشته شده است. [27] .

### ارج نهادن به خاك كربلا و سجده نمودن بر تربت آن حضرت

از شيوه‌هاي ديگر ائمّه‌عليهم السلام براي احياي حماسه حسيني، نگاهداري تربت و توصيه به سجده بر خاك آسماني سيد الشهداءعليه السلام است كه در آن نشانه‌هاي توحيد و عشق و ايثار در راه معبود وجود دارد و نماز گزار را در حال سجده به ياد ارواح پاك و طيب و طاهري مي‌اندازد كه جان‌هاي خود را در راه محبوب نثار كرده‌اند كه دل و روح انسان را با فرهنگ عاشورا آشنا و مأنوس مي‌كند. اين چنين الگوها اثر تربيتي و معنوي عجيبي در جان و روان انسان خواهد گذاشت. [28] .

### تشويق به برگزاري مجالس ذكر مصيبت و تبيين اهداف نهضت حسيني

نك: اقناع اللائم علي اقامة المآتم؛ احسن الجزاء في اقامة العزاء، علي سيد الشهداءعليه السلام؛ تاريخ النياحة علي الامام الشهيد حسين بن علي؛ سيرتنا و سنتنا؛ مجالس الفاخرة في مأتم العترة الطاهرة.امامان شيعه علاوه بر آنكه خاطره عاشورا را زنده نگه مي‌داشتند [29] همواره پيروان خود را ترغيب به اين مهم مي‌كردند كه هر ساله با سوز و گداز و همراه با گريه و زاري به عزاداري بپردازند.عالمان دين نيز با پيروي از شيوه رفتاري پيشوايان معصوم در گسترش اين فرهنگ كوشيدند و همواره شيعيان را بر ادامه اين امر مقدس توصيه مي‌فرمودند.عوامل يادشده سنتي را پايه‌گذاري كرد كه براي هميشه نام و ياد حماسه‌آفرينان عاشورا در خاطره‌ها زنده ماند و به الگويي جاودانه تبديل شد و مردم به وظايف خود در برابر طاغوت‌هاي زمان آشنا شدند و دريافتند كه: با شعار «يا مظلوم» مي‌توان هر ظالمي را رسوا كرد.و بدين گونه حادثه كربلا با عمق جان و دل با باورهاي اعتقادي، اجتماعي انساني مردم گره خورد و نفرتي عميق و دائمي از ستمگران در دل‌ها كاشت و دين اسلام را شاداب و خرم نگاه داشت. و مجالس حسيني آثار و بركات فراواني داشت. بي‌جهت نيست (مارتين) نويسنده آلماني، منبرهاي حسيني را - در صورتي كه خوب تنظيم و از آنها استفاده شود - از مهم‌ترين عوامل پيشرفت مسلمين مي‌داند.سوگمندانه امروز عاشورا با همه اهميت و جايگاه مهمي كه در فرهنگ اسلامي دارد عمق و محتوايش را از دست داده و پيام اصلي آن (ظلم‌ستيزي و عدالت‌جويي) فراموش گشته است. براي همين «مسائل عاشورا» جاي خود را به «مصائب عاشورا» داده و بعد عاطفي غالب و بعد معرفتي آن فراموش شده، و مرثيه‌ها نيز بعضاً بي‌محتوا و سبك گشته و هماهنگي كامل با فكر و انديشه امام حسين‌عليه السلام و قيام او ندارد و پيام عاشورا در آنها كم‌رنگ است و يا اصلاً مشهود نيست. و آنچه در غالب مجالس سوگواري مشاهده مي‌شود، اصوات موزون مداحان و لوازمات جانبي آن است كه از سوي مستمعان ايجاد مي‌گردد. اگر شيعيان به محتواي قيام و پيام‌ها و درس‌هاي آن نيز توجه مي‌كردند و از آن به خوبي الگو مي‌گرفتند، جامعه ولايي آنان جزو پيشرفته‌ترين جوامع بود.افسوس كه با راه رفتن آفات به عزاداري بهره در خوري از آن نصيب تشيع نمي‌شود. [30] براي اينكه عزاداري‌ها رشد و بالندگي افزون‌تري پيدا كند ضروري است عزاداري‌ها در پرتو رهنمودهاي مراجع بزرگوار تقليد و روحانيت متعهد و متخصص و آگاه با آفاتي كه رهاورد عاشورا را تهديد مي‌كند، مبارزه شود و به آن محتواي سازنده داده شود. و اركان تشكيل‌دهنده اين مجالس با مسؤوليت‌هاي خويش آشنا شوند و به اندازه توان، نقش خويش را ايفا كنند.

## وظايف شيعيان

امت اسلامي نسبت به عاشورا مديون است و اداي دين، مسؤوليت‌هايي را ايجاب مي‌كند. گذشتگان از شيعيان و علويان در عصر و زمان خود مسؤوليت‌هايي داشتند كه آن را انجام دادند و اينك زمان و فرصتي ديگر و مسؤوليتي ديگر براي حاضران است كه براي گراميداشت عاشورا و ياد شهيدان و بيان هدف و معرفي آرمان شهيدان از جان بكوشند. مسؤوليت و تكليف شيعيان در قبال عاشوراي حسيني به قرار زير است:1. شكرگزاري بر نعمت ولايت و تربيت بر طريق مكتب اهل بيت‌عليهم السلام و بر توفيق شركت و درك مجالس اهل بيت‌عليهم السلام و درخواست دوام آن.2. قدرشناسي و دعا به والدين و مربياني كه آنان را با مجالس حسيني مأنوس كردند و يادكرد كساني كه مجالس حسيني را به پاد داشتند.3. قدر مسلم پيروان راستين امام حسين‌عليه السلام - اگر متعهد باشند - خود را موظف به شناخت كامل از فلسفه قيام حضرت مي‌دانند و در رساندن پيام‌هاي عاشورا ساعي و كوشا هستند و در اين راستا براي خنثي كردن دسيسه عاشوراستيزان از هيچ گونه اقدام مالي و جاني دريغ نمي‌ورزند و تا مرز ايثار پيش مي‌روند.4. هم و حزن قلبي كه اولين مرتبه عزاداري است. به اين معنا كه عزاداران امام حسين‌عليه السلام مصيبت اهل بيتش را به مراتب بزرگ‌تر از مصائب خود و خانواده‌اش به حساب آورند.5. عزاداري و ابراز حزن و اندوه در ايام حزن آل محمّد كه مرتبه دوم عزاداري است.ريان بن شبيب گويد: در نخستين روز ماه محرم به محضر امام هشتم رسيدم به من فرمود: «يَابْنَ شَبيب، إِنْ سَرَّكَ أَنْ تَكُونَ مَعَنا فِي الدَّرَجاتِ الْعَلي مِنَ الْجَنّاتِ فَاحْزُنْ لِحُزْنَنا وَ افْرَحْ لِفَرَحِنا وَ عَلَيْكَ بِولايَتِنا فَلَوْ أَنَّ رَجُلاً تَولّي حَجَراً لَحَشَرَهُ اللَّهُ مَعَهُ يَوْمَ الْقِيامَةِ. [31] پسر شبيب، اگر دوست داري با ما در درجات عالي بهشت باشي، در حزن و اندوه ما اندوهگين و در شادي ما شادمان باش و محبت و دوستي ما پيشه كن كه اگر انسان در اين جهان سنگي را دوست داشته باشد، خداي متعال او را در روز قيامت با همان محشور مي‌كند».6. سياه پوشيدن و سياه پوش كردن در و ديوار منازل، حسينيه‌ها، تكيه‌ها و مجالس عزاداري كه نشانه حزن و اندوه و كاشف از جوش عشق و علاقه شيعيان به مقام ولايت است.7. تشكيل مجالس عزا و شركت در محافل سوگواري به منظور رونق بخشيدن به مجلس و آشنايي به وظايف و احكام شرعي و شناخت راه و روش سرور آزادگان.8. ديگران را نيز به برگزاري مجالس هفتگي، ماهانه تشويق كند زيرا افراد هر چند متدين نباشند، در جلسات خانوادگي شركت مي‌كنند. در حديث است كه امام صادق‌عليه السلام با لحني تشويق‌گونه خطاب به فضيل بن يسار مي‌فرمايد: آيا مجلس تشكيل مي‌دهيد و با هم درباره ما سخن مي‌گوييد؟فضيل مي‌گويد: آري. حضرت مي‌فرمايد: من مجالسي را كه در آن از ما ياد شود دوست دارم پس ياد ما را زنده بداريد. [32] .9. بهره‌برداري بهينه از مجالس با رعايت حريم و حقوق ديگران با خودداري از آزار و در تنگنا قرار دادن ديگران. در قرآن مي‌خوانيم: «يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُواْ فِي الْمَجَلِسِ فَافْسَحُوا...». [33] .10. حزن و گريه به هنگام ذكر مصيبت كه جزو برترين اعمال در عزاداري و دژ محافظي در برابر سختي‌هاي روز قيامت است.11. با كمال ادب و فروتني در مجالس حاضر شدن و خداي بزرگ را ناظر بر خود دانستن.12. شركت در مجالسي كه خطباي صالح و مصلحت‌انديش و محقق دارد تا از وقتي كه در اختيار مي‌گذارد بهترين استفاده را ببرد.13. توجه اساسي به عمق مجلس و پرهيز از رغبت به مجالس و مداحي‌هاي پرهياهو و بي‌محتوا يا كم‌محتوا.14. سلام كردن بر سلاله نور و حماسه‌ساز اعصار و قرون مولي الكونين، حضرت ابا عبداللَّه الحسين‌عليه السلام در هر روز كه از بزرگ‌ترين توفيق‌ها و ارزشمندترين نعمت‌ها است.15. اعلام تنفر و دوري از دشمنان و پليداني كه زمينه قتل ائمّه‌عليهم السلام را آماده كردند و كشندگان و ظلم‌كنندگان به اهل بيت عصمت و طهارت كه آثار مثبت بسياري دارد.16. تسليت‌گويي به امام عصرعليه السلام و به يكديگر در ايام عزاداري خصوصاً عزاي سيدالشهداءعليه السلام طبق نقلي از امام باقرعليه السلام اين گونه بگويد: «خداوند، پاداش ما را در مصيبت ما نسبت به حسين‌عليه السلام افزون بدارد و ما و شما را از خونخواهان او قرار دهد، در ركاب ولي خود، مهدي آل محمّد». [34] .17. پرهيز از هر رفتاري كه خارج از ضوابط اسلامي باشد.18. بهره‌برداري بهينه از اين گونه مجالس در راستاي افزايش سطح آگاهي ديني و در ميان گذاردن مسائل شرعي، سؤالات اعتمادي، اخلاقي و... با سخنرانان مجلس.19. شناخت و مبارزه فرهنگي با آفات عزاداري با توجه به رهنمودهاي مراجع تقليد.20. اقامه امر به معروف و نهي از منكر.اگر حاضران در مجلس شاهد منكري در عزاداري بودند (مانند غناخواني مداح، به كار بردن آلات لهو و لعب) نبايستي از وظيفه امر به معروف و نهي از منكر غفلت كنند و اجازه دهند در چنين مجالس مقدسي كار منكر انجام شود. تا همچون كساني كه پيشتر به خاطر كوتاهي در انجام اين مسؤوليت مورد نفرين قرار گرفتند، مورد نفرين واقع نشوند «لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُواْ مِن‌م بَنِي إِسْرَ ءِيلَ عَلَي لِسَانِ دَاوُودَ وَعِيسَي ابْنِ مَرْيَمَ ذَ لِكَ بِمَا عَصَواْ وَّكَانُواْ يَعْتَدُونَ، كَانُواْ لَا يَتَنَاهَوْنَ عَن مُّنكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُواْ يَفْعَلُونَ». [35] .21. احترام به خادمان و ذاكران و روحانيون و كليه كساني كه منتسب به هيئت حسيني هستند و حسين‌عليه السلام را دوست دارند زيرا محب حسين‌عليه السلام محبوب خداي بزرگ است.22. ياري رساندن به گرداننده و يا گردانندگان اصلي آن و بانوان براي پذيرايي از بانوان داوطلب همكاري شوند.23. قدرداني و تشكر از برپا دارندگان و دست‌اندركاران مجلس.24. در صورتي كه هيئت در منزل برگزار مي‌شود پس از صرف غذا زودتر پراكنده شويد و مشكل براي بانيان فراهم نياوريد.25. دست كشيدن از كار در عاشورا براي برپا داشتن آيين عزاداري، زيرا امام رضاعليه السلام فرمود: آن كس كه روز عاشورا كارهاي خويش را تعطيل كند، خدا حوائج دنيا و آخرتش را برآورد. [36] .26. قدرداني محترمانه از ذاكران و روحانيون، دانشمندان و پاسداران فرهنگ عاشورا.27. مواظبت بيشتر درباره امور شرعي پس از خروج از مجالس حسيني.28. شركت فعال در ساختن حسينيه‌ها و تكيه‌هاي مذهبي كه گامي است در جهت گسترش آيين عزاداري.

## وظايف بنيانگذاران و گردانندگان

### اشاره

برگزاركننده مجالس اهل بيت كه بخشي از عمر خود را وقف خدمت به اهل بيت نموده و در اين راه از استعدادها، توانايي‌ها و امكانات خود حداكثر استفاده را كرده‌اند و در اين راه از بذل مال و صرف عمر و تحمل رنج و زحمت دريغ نمي‌ورزند - در صورتي كه با رعايت ملاك‌ها و موازين شرعي باشد در زمره رواج دهندگان خير و مسببان تبليغ دين و احياي امر اهل بيت پيامبرصلي الله عليه وآله هستند و علاوه بر پاداش عمل خود، در ثواب ديگران نيز شريك‌اند، مشروط بر آنكه مجالس خود را برپايه شناخت عميق و صحيح برپا نمايند و با رعايت شرايط و آداب به انجام اين كار دقيق و ظريف بپردازند. زيرا اگر بانيان و عوامل اجرايي، جاهل به هدف عزاداري و ظرافت‌هاي مخصوص آن باشند، و رعايت حدود را نكنند نمي‌توانند نتيجه در خوري از مجالس خود بگيرند. و يكي از دلايل مهمي كه فرهنگ عاشورا به طور كامل نتوانسته است نقش خود را ايفا كند و آموزه‌هاي اصلاحي و احياگرانه قيام عاشورا را بازتاب دهد، همين موضوع است.پس اين عزيزان به منظور بالا بردن ميزان اثر بخشي مجالس و بهره‌وري بيشتر از نعمت عزاداري بايستي امور زير را رعايت كنند:1. رعايت اخلاص در عمل پرهيز جدي از ريا و خودنمايي - كه آفت هر عمل عبادي است زيرا عزاداري از مصاديق عبادت است و قوام عبادت به خلوص نيت است. [37] و بدون نيت خالصانه اين فعاليت‌ها ثمر چنداني براي انجام دهندگان آنها نخواهد داشت.2. اموالي هزينه كنند كه حقوق شرعي آن - مثل خمس و زكات - ادا شده باشد.3. اگر از هداياي ديگران استفاده مي‌كنند توجه و عنايت به حليت آن داشته باشند.4. تلاش كنند عمل خود را از هر جهت صحيح انجام دهند و بيش از آنكه به زرق و برق و تداركات مادي مجالس و جنبه‌هاي ظاهري آن بينديشند به محتوا و كيفيت آن فكر كنند و معناگرايي را بر شكل‌گرايي برتري دهند و در انتخاب سخنران شايسته و ذاكران نكونام دقت داشته و با عالمان وارسته حوزوي مشورت كنند تا ضايع‌كننده اوقات و نيروهاي مالي و انساني نشوند و به اجراي تشريفات خشك و كم‌اثر و يا مجالس دور از آگاهي دل خوش ندارند. و از گويندگاني دعوت كنند كه برخوردار از مراتب علم و فضل و پارسايي و پايبند به اصول اخلاقي باشند و بتوانند معارف و احكام اسلام و اهداف والاي حسيني را به درستي تبيين كند.كاملي بايد در اين راه شگرف تا كند غواصي اين بحر ژرفبايد به اين نكته توجه كرد كه هر كس با حفظ چند قطعه شعر و چند حكايت و برخورداري از صداي خوب و اندكي هم قدرت لفاظي كه نام مداح بر خود نهاد، مداح نيست.نه هر كه چهره بر افروخت دلبري داند نه هر كه آينه سازد سكندري داندهزار نكته باريك‌تر زمو اينجاست نه هر كه سر بتراشد، قلندري داند!پس بايد از نوحه‌خوان‌هاي امام‌شناس، خوش‌نام، متدين، متعهد، معروف به تقوا و راستگويي و امانتداري - كه به فضل خدا بسيار داريم - دعوت كنند تا از مجلس بهترين استفاده به عمل آيد. عارف واصل، عالم رباني آيت اللَّه ميرزا جواد آقا ملكي تبريزي - كه رضوان خدا بر او باد - در اين باره مي‌فرمايد: كسي را براي خواندن مصيبت دعوت كنند كه باتقوا و در خواندن مصيبت راستگو باشد.براي اينكه عزاداران محترم با فلسفه قيام و شهادت و اهداف والا و مقدس پيشواي شهيدان بيشتر آشنا شوند بهتر است تمام تلاش و كوشش بر اين مطلب استوار باشد كه مداحان عزيز مانند گذشته با پيشخاني، مجلس را براي سخنران مجلس آماده كنند و بيشترين وقت در اختيار منبري باشد. بويژه در هنگامه فتنه‌ها و به هنگام مشوش شدن افكار و باورهاي مردم، برخورد عاطفي صرف با مقوله عزاداري و خالي از محتوا كردن مجالس مذهبي و مداح سالاري و در حاشيه قرار دادن منبر و وعظ و فرعي شدن مسائل اصلي كه امروزه رايج شده است نه تنها مردم را در سطحي نازل از ايمان و آگاهي قرار مي‌دهد، و اعتقاد و باور آنها را نيز بسيار شكننده و آسيب‌پذير مي‌سازد، بلكه جدي‌ترين عامل ورود آفت‌هاي بسيار در بنياد و بنيان فرهنگ عاشورا و تجلي اسلام منهاي روحانيت است كه بزرگ‌ترين ضربه را به اسلام وارد مي‌نمايد. و مسلماً صاحب شريعت و حضرت امام حسين‌عليه السلام بدان راضي نيستند. زيرا بي‌توجهي به شرح و بسط ماجراي كربلا و اهداف سازنده آن، زماني پيش مي‌آورد كه خداي ناخواسته اهداف آن ناديده گرفته شود و حتي اصل حادثه نيز مورد انكار قرار گيرد. و نيز رويكرد به دين بدون تفقه، موجب آسيب‌ديدگي دين و دينداري مي‌شود. بنابراين اگر باني محترم مي‌خواهد كه مردم «اسلام خواه» ما «اسلام دان» هم بشوند و بذرهاي دين گريزي و احياناً دين‌ستيزي از مغرب زمين در جوامع ولايي پاشيده نشود بايد با هوشياري از منبر حسيني استقبال بكند.5. تأمين و اعطاي هداياي سخنرانان و ستايشگران آل محمّد به نحو شايسته آن هم به صورت مخفيانه به منظور پاسداشت بيشتر عزت و مقام رفيع آنان.6. برخورد يكسان با شركت‌كنندگان مگر نسبت به افراد خاصي كه از احترام بيشتري برخوردارند، از جمله پيش‌كسوتان هيئت‌هاي عزاداري و صاحبان فضل و كمال.7. پرهيز از منكرات در عزاداري.فقيه نامي ميرزاي ناييني (قده) در پاسخ به استفتاي اهالي بصره و اطراف آن در خصوص حركت دسته‌جات عزاداري مرقوم داشته‌اند:راه افتادن دسته‌هاي عزاداري در دهه عاشورا و روزهاي مانند آن در كوچه‌ها و خيابان‌ها، از آشكارترين مصاديق عزاداري و رسانيدن پيام حسيني به دور و نزديك است و اشكالي ندارد. در عين حال لازم است، اين شعار بزرگ را از هر كار ناپسند كه شايسته براي چنين عبادتي نيست، پيراست. از خوانندگي حرام و به كارگيري ابزار لهو و رقابت دسته‌جات در جلو و عقب افتادن از يكديگر بايد پرهيز شود. اگر اين قبيل اتفاقات و كارهاي ناپسند رخ دهد، حرام است، هر چند حرام بودن آن به حركت دسته براي عزاداري سرايت نمي‌كند [38] همچون نگاه كردن به زن نامحرم در حال نماز است كه خود عملي حرام است ولي نماز را باطل نمي‌كند. [39] .8. برگزاري مجالس در ساعت مقرر و مناسب و پرهيز از طولاني كردن آنها و سلب آسايش همسايگان. براي توفيق در اين امر به سخنران و مداح تأكيد نمايند در صورت امكان سر وقت در جلسه حضور يابند.9. ميانه‌روي و اعتدال. رعايت اصل اعتدال، از جمله مسائلي است كه هيئت‌داران بايد سرلوحه كار خود قرار دهند.10. دوري جستن از مزاحمت و ايجاد صداهاي گوشخراش.11. رعايت نكات بهداشتي در آشپزخانه، و پاك كردن خون حيواناتي كه جلوي دسته‌ها سر مي‌برند.12. چون برپايي عزاي حسيني اعلان انتظار ظهور منتقم الهي است از خداي بزرگ بخواهد همراهي با امام عصر(عج) در طلب خون سيدالشهداءعليه السلام را روزي او گرداند.أَسْئَلُ اللَّهَ أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثارِكُمْ مَعَ اِمامٍ مَنْصور ظاهرٍ ناطقٍ مِنْكُمْ. [40] .13. سياه‌پوش كردن بخشي از محيط براي نشان دادن شدت مصيبت و غم و اندوه و استفاده از تبليغات نمادين در بخش‌هاي ديگر. و نصب اشعار محتشم كاشاني و اشعار دعبل خزاعي (اَفاطِمُ قَوْمي يا ابْنَةَ الْخَيْرِ فَانْدُبِي)14. بهره‌گيري از تراكت در مسير رفت و آمد به مجلس.15. نصب تراكت [41] سلام بر حسين‌عليه السلام در آبخوري مجلس و الصاق عكس حرم مطهر امام حسين‌عليه السلام و پرهيز از الصاق عكس‌هاي دروغين كه به نام امام حسين‌عليه السلام و قمر بني‌هاشم‌عليه السلام در بازار عرضه مي‌شود.16. استفاده از پارچه نوشته‌هايي با خط زيبا كه نام شهداي سرافراز كربلا در آن آمده است.17. اهداء كتاب‌هاي مفيد به عزاداران در يكي از شب‌ها.18. جدا كردن در ورودي خانم‌ها و آقايان و محل استقرار آنان.19. توجه به ديدگاه و نظرات مراجع تقليد. اينها بخشي از انتظاراتي است كه هر فرد دلسوخته و علاقه‌مندان به مجالس حسيني در اين ايام از اداره كنندگان مجالس مذهبي دارد.از بانيان محترم استدعا دارم كه در ضرورت امور فوق حقيقتاً بينديشند و در جهت تحقق آنها تلاش نمايند.

### وظايف اهل منبر

#### اشاره

قيام عاشورا، و مجالس و محافلي كه مورد توجه وجود مقدس بقية اللَّه الاعظم حضرت مهدي (عج) هستند، همچون سلاحي نيرومند و كارآمد در دست عالمان ديني و گويندگان مذهبي و ذاكران حسيني است. نقش اينان كه در راه حفظ اين گوهر گرانبها و گسترش آن تلاش و ايثار مي‌نمايند، همچون نقش انبياء [42] در ابلاغ پيام الهي خويش رقم زده شده است. لذا رسالت اين فرزانگان در جامعه ولايي بهره‌برداري مناسب از عاشورا به تناسب زمان و مكان است.بقاء دين در طول تاريخ و درخشان ماندن چهره آن عمدتاً مديون روشنگري و تحريف‌زدايي همين گروه است.اين همه آثار نيك از بناهاي خير عام‌المنفعه، مانند بيمارستان‌ها، پل‌ها، آب انبارها... و موقوفات براي نگهداري ايتام و اطعام بي‌نوايان و بسياري از كارهاي خير ديگر، نتيجه بهره‌برداري صحيح روحانيون حقيقي از مجالس حسيني است. امروز نيز آن گراميان بايد ضمن معرفي رهبران دين و عرضه معارف اسلام و استفاده شايسته از عواطف پاك مردم و جهت دادن به آنها در مسير تقوا، به حفظ و انتقال روحيه جهادگري و «فرهنگ شهادت‌طلبي» از طريق ياد شهداي كربلا بپردازند و مردم را به طاعت خداي رئوف و مهربان ترغيب و از معصيت دور نمايند. و معلوم است كه گذاردن وظيفه‌اي چنين سنگين و خطير، جز از بزرگمندان دين‌شناس و تقواپيشه برنمي‌آيد.

### صلاحيت‌هاي علمي و عملي

تبليغ دين علاوه بر ايمان و باور دروني دعوتگر، نيازمند تفقه (فهم عميق) در دين و مجهز شدن به علوم و دانش‌هايي است كه به نوعي شناسايي و شناساندن آن به ديگران با بهترين شيوه و نيكوترين روش دخيل است. در واقع بدون ترديد علم و دانش مهم‌ترين سرمايه مبلغ و بي‌مايگي در علوم ديني مشكل‌ساز است. و اگر مبلغي استاد نديده باشد و مطالعه مستمر نداشته باشد نمي‌تواند معارف ژرف و در عين حال بلند قرآن و اهل بيت‌عليهم السلام را به خوبي درك كند و كسي كه خود مطلبي را به خوبي درك نكرده، قادر نيست آن را درست به ديگران تفهيم نمايد. به تعبير شاعر:ذات نايافته از هستي‌بخش كي تواند كه شود هستي‌بخشخشك ابري كه بود ز آب تهي نايد از وي صفت آب دهيبنابراين پيش از كسب مهارت‌هاي لازم و فراگيري فن خطابه و سخنوري همان به كه از قبول سخنراني خودداري نمايند. به قول مولوي:مدتي مي‌بايدت لب دوختن وز سخندانان سخن آموختنتا نياموزد نگويد صد يكي ور بگويد، حشو گويد بيشكي

### آگاهي از موضوع

آگاهي و تسلط كافي به موضوع سخنراني و ابعاد و اطراف آن توان بازپروري داده‌هاي تاريخي. بنابراين مطلبي را كه علم و آگاهي كامل بدان ندارد، نبايد تبليغ كند. چه، اگر مطلبي را ندانسته و درك نكرده بيان كند، كارش جز ضربه زدن به اسلام چيز ديگري نيست، چنان كه قرآن مي‌فرمايد: «وَ لَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ‌ي عِلْمٌ»؛ [43] آنچه را كه بدان علم نداري پيروي مكن. تحكيم منطق تبليغ براساس حكمت و موعظه و گفتگوهاي آرام.

### برخورداري از كردار نيك و اخلاق رفيع اسلامي

مبلّغ اسلامي بايد خود را به ادب نفس بيارايد و در امر تزكيه و تهذيب نفس كوشيده و مراحل مختلف صعود به قله تقوا و خويشتنداري را طي كرده باشد تا از كارايي لازم برخوردار بوده و بتواند در زمينه فراخواني مردم به راه خدا و برخورد با انسان‌هايي كه از روحيه‌هاي متفاوتي برخوردارند، موفقيت و پيروزي به دست آورد. مبلّغان بزرگ، به وسيله اخلاق بلند پسنديده و اندرون تهي از رزايل و مالامال از فضائل اخلاقي، توانستند به موفقيت‌هاي بزرگ نايل شوند.مهم‌ترين اخلاق و صفاتي كه يك مبلغ بايد به آنها آراسته باشد عبارتند از: خوش‌خويي، مهرباني، فروتني، نرمخويي، بردباري، شهامت حق‌گويي، عفت، عزت نفس و صداقت، روشني و وسعت انديشه، قدرت استدلال، رعايت نظم مطالب، گيرايي بيان.

### محبوبيت

مبلّغي كه در دل‌ها نفوذ كرده و از محبوبيت والا در جامعه برخوردار است حرفش بيشتر موثر واقع مي‌شود، پس هر كس مي‌خواهد با سخنوري مسؤوليت الهي خود را انجام دهد و مي‌خواهد از سخنراني‌هاي خود نتايج مثبت و سودمندي بگيرد بايد چنان زندگي كند كه در بين مردم محبوب باشد. عوامل محبوبيت به طور فهرست‌وار عبارتند از: خودشناسي و خودسازي، ساده زيستن، خدمت به مردم، تواضع به‌جا و نرمخويي، دفاع از ستمديدگان، عمل به گفته‌ها، و كرامت و عزت نفس، جلب رضايت حق، استقامت، داشتن شرح صدر، برخورداري از حيا و عفت، داشتن مطالعه در زمينه‌هاي مختلف؛ صراحت لهجه، واقع‌بيني و حقيقت‌گرايي، مقدم داشتن منافع ملي و مصالح ميهني بر اغراض و منافع شخصي، بي‌طمعي.

### تطابق كردار و گفتار

حاملان پرچم رسالت آسماني بايد خود پايبند گفته‌ها و الگويي از موعظه خويش باشند. اين حقيقي است كه مردم همواره از واعظان انتظار دارند، خود پايبند گفته‌هايشان باشند و آنچه را مي‌گويند، به كار بندند و از آنچه باز مي‌دارند، باز ايستند [44] .در اين صورت است كه مي‌توانند به ژرفاي وجود مخاطبان راه يابند.دل و زبان چو يكي شد سخن بلند شود به هيچ جا نرسد طائري كه يك بال استاگر گوينده‌اي بد عمل كند و يا خلاف آنچه به آن دعوت كرده رفتار نمايد، سخت‌ترين آسيب‌ها به دين و دينداري وارد مي‌شود! و اضافه بر اين اگر ناطقي اخلاق و ملكات خويش را اصلاح نكرد و از فضايل اخلاقي برخوردار نبود سخنانش در ديگران اثر قابل توجهي نگذاشته و مجالس او ارزش خود را از دست خواهد داد و بجاي هدايت، ضلالت‌آور خواهد شد. اگر قرار باشد كه شخصي چيزي بگويد و خود بدان عمل نكند، علاوه بر تمام آثار سوء اين كار، گناه بزرگي مرتكب شده و لااقل اثر آن اين است كه نوعي بدبيني نسبت به اسلام و تبليغ‌كنندگان آن در ميان مردم به وجود مي‌آورد و مشمول اين عتاب الهي خواهد بود كه: «أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنسَوْنَ أَنفُسَكُمْ» [45] آيا مردم را به نيكي امر مي‌كنيد و خويشتن را فراموش مي‌كنيد؟

### راستي و راستگويي

سفارش امام علي‌عليه السلام در اين باره اساسي و كليدي است: صدق و راستگويي يكي از فضائل اخلاقي است كه براي همه خاصه گويندگان و مداحان، - كه مردم آنها را به خير و صلاح مي‌شناسند - واجب و لازم است. زيرا بنيان فرهنگ عاشورايي امام حسين‌عليه السلام بر صداقت، راستي و درستي استوار است و دروغ و جمل، دقيقاً در مقابل اين فرهنگ قرار دارد.قرآن در مقام ستودن اوصاف پيامبران، بر راستگويي آنان تكيه كرده است. [46] و از امام صادق‌عليه السلام روايت شده است: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لَمْ يَبْعَثْ نَبِيًّا إِلّا بِصِدْقِ الْحَديثِ وَ أَداءِ الأَْمانَةِ اِلَي الْبَرِّ وَ الْفاجِرِ؛ [47] همانا خداي باعزت و جلال هيچ پيغمبري را مبعوث به رسالت نفرمود مگر با دستور به راستگويي و برگرداندن امانت‌گذاران، چه نيك و چه بد».واعظان و ذاكران بايد از خواندن روضه‌ها و اشعار دروغين به انگيزه گرياندن مستمعان بپرهيزند. اگر در مجالس ذكر و مرثيه، دروغ رايج گردد، شنوندگان به تدريج ايمان و اعتماد خود را به اشعار و روضه‌ها از دست خواهند داد.از سوي ديگر ناطق و مداحي كه هنجارهاي شرعي را رعايت نكرده و با رويكردي كاذبانه به گرم كردن مجلس خويش دست مي‌زند، هم به رزاقيت خداي فياض ايمان ندارد و هم با ايمان و عقيده مردم بازي مي‌كند.برخلاف تصور آنان كه به عامل دروغ به عنوان وسيله‌اي براي رسيدن به متاع دنيوي چنگ مي‌زنند، دروغ روزي را كم مي‌كند. رسول خداصلي الله عليه وآله فرمود: «دروغ روزي انسان را كم مي‌كند». [48] و علي‌عليه السلام فرمود: «اعتياد به دروغ موجب فقر و بدبختي مي‌شود». [49] .گويندگان و مرثيه‌سرايان بر پايه آيه شريفه «مَّا يَلْفِظُ مِن قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ» [50] مي‌دانند آدمي، در رستاخيز مسؤول گفتار خود است، بنابراين بايستي از ذكر رخدادها و تحليل‌هاي غلط كه شاهدي بر صحت آنها وجود ندارد، خودداري كند، زيرا مطالب بي‌پايه و برداشت نادرست، آثار مخرب از خود بجا مي‌گذارد و حداقل جامعه را برخلاف هدف امام حسين‌عليه السلام دچار ركود و رخوت مي‌نمايد. رسول خداصلي الله عليه وآله به اباذر فرمود: «ما مِنْ خَطيبٍ يَخْطُبُ إِلّا عُرِضَتْ عَلَيْهِ خُطْبَتُهُ يَوْمَ الْقِيامَةِ وَ ما أرادَ بِها». [51] .«هيچ سخنگويي نيست كه سخني بگويد مگر آنكه روز قيامت سخنش و مراد و مقصودش را از آن به او عرضه مي‌كنند».7. حفظ دين و احياي ارزش‌هاي اصيل اسلام و تشيع در برابر بدعت‌ها، تحريف‌ها، مسخ ارزش‌ها.8. سعي و كوشش در توجه دادن مردم به قرآن و بهره‌گيري از آيات و روايات، و تفسير و تحليل زمينه‌هاي پيدايش عاشورا و تشريح اهداف و فلسفه قيام حسيني و پيام‌ها و عبرت‌هاي عاشورا و پرهيز از افسانه‌پردازي.از حسين، اكتفا به نام حسين نبود در خور مقام حسينبلكه بايد، كه خلق دريابند علت اصلي قيام حسينشد مكرر عزاي او، كه شود هر كسي واقف، از مرام حسين [52] .9. الگو ساختن پيشوايان معصوم براي جامعه.10. چون پيرايش، پالايش و آرايش فرهنگ عمومي مردم، وظيفه گويندگان آگاه است، لذا داشتن شجاعت معنوي براي ابهام‌زدايي و خنثي‌سازي تبليغات دشمنان و صيانت از عقايد اسلامي و جلوگيري از تحريف اهداف و ابعاد نهضت حسيني و تصحيح انحراف‌هاي فكري و توجيهي با اتكاء بر منابع موثق و با ارائه طريق، وظيفه سخنران مجلس است.11. مرزباني و خرافه‌زدايي و نفي و طرد اهل بدعت و انديشه‌هاي باطل و آراء اختراعي و عدم استفاده از كتاب‌هاي ضعيف و تحريف‌گستر و توصيف صحنه كربلا و نقل حوادث عاشورا آن گونه كه واقع شده است. زيرا دل‌ها به دست مقلب القلوب است، و اوست كه رقت قلب ايجاد كرده و اشك‌ها را روان مي‌سازد.12. از ذكر فضائل و معجزات و مطالبي كه اثبات و قبول آن براي عوام مردم دشوار يا غير ممكن است. گرچه حق باشد - و چيزهايي كه اثبات نشده و تنها براي برانگيختن احساسات مطرح گرديده است بايستي پرهيز كرد كه خاتم انبياءصلي الله عليه وآله فرمود: «لا تُحَدِّثُوا النّاسَ بِما لا يَعْرِفُونَ، أَتُحِبُّونَ أَنْ يُكَذِّبَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ». [53] .13. درك شرايط زماني و در غير ايام عاشورا ذكر مصيبت‌هاي سخت ننمايند كه دل‌ها رميده نشود.14. تقويت اخلاص زيرا اخلاص در واقع عمود خيمه تقرب به خدا و نور كلام واعظان محسوب مي‌گردد. مداحي و سخنراني وقتي ارزش پيدا مي‌كند و تقدس مي‌يابد كه با اخلاص انجام شود.علّامه نوري طبرسي ضمن تأكيد فراوان بر اين مسئله مي‌نويسد:البته (مرثيه‌خوانان و روضه‌خوانان) بايد بدانند و ملتفت بشوند كه اين عبادت، مانند ساير عبادات است و اين عمل، آنگاه عبادت شود كه در هنگام بجاي آوردن آن، جز رضاي خداوند و خشنودي رسول و ائمّه هدي‌عليهم السلام غرض و مقصدي نداشته باشد و اگر دارد، همان مجرد يافتن ثواب‌هاي موعود و پاك شدن از گناهان مهلكه باشد كه با اخلاص در عمل منافاتي ندارد.چه عمل باز براي فرمانبرداري (از) فرمان حضرت باري تعالي است كه به وسيله آن، ثواب‌ها برسد و از شر گناهانش ايمن شود. [54] .اگر انگيزه سخنران عشق و ايمان به خداي مهربان باشد بي‌ترديد در نزد پروردگار مأجور خواهد بود و در نزد خلق هم ارج و ارزش زيادي پيدا مي‌كند. اگر زندگي خطيباني را كه خدمتشان چشمگير و نامشان درخشان مورد بررسي قرار دهيم، متوجه مي‌شويم يكي از عوامل موفقيت و پيشرفت آنها، اخلاص بوده است.سخن كز دل برون آيد نشيند لاجرم بر دل15. من نخواهم مزد پيغام از شما.عدم چشم داشت به اموال مردم و نفروختن اين خدمت مقدس به بهاي ارزان يكي از پيش‌شرطهاي گام نهادن در ميدان تبليغ است.زيان مي‌كند مرد تفسيردان كه علم و ادب مي‌فروشد به نانكجا عقل، يا شرع فتوي دهد كه اهل خرد دين به دنيا دهدالبته اين بدان معنا نيست كه اينان از سر عجب و تكبر هداياي مردمي را نپذيرند. مراد اين است كه وعظ و ارشاد و مداحي به عنوان شغل ارادتمندان اهل بيت‌عليهم السلام قرار نگيرد.16. داشتن ظاهري آراسته.مي‌دانيم كه آراستگي و خوشبويي موجب رضاي خدا و رغبت مردم است و رابطه‌ها را صميمي‌تر مي‌سازد، همان‌گونه كه افراط در رسيدگي به سر و صورت و لباس و غذا، دافعه دارد، بي‌تناسبي بين موهاي سر و ريش نيز دافعه دارد. آراستگي با سادگي نيز جمع مي‌شود.17. در تنوير عقول و تطهير نفوس بكوشد و فرهنگ ديني را قوت و عمق بخشد. و مجلس را در مسير برپايي نماز و اداي زكات و امر به معروف و نهي از منكر و عبادت خدا براي رسيدن به يقين و معرفت الهي جهت دهد. و رفتار مخاطبان را به وسيله التزام به عدالت و احسان و مكارم اخلاق تعالي بخشد.18. شناخت مردم و زمان، با رعايت مقتضاي حال به تبيين اصول اسلام و تعليم عوام و بيان حقايق مكتب با بياني متناسب با فاهمه شنوندگان و ظرفيت مخاطبان بپردازد و از بيان سخنان پيچيده و نامأنوس و ارائه مطالب عقل‌ناپذير - چه در حوزه روايت واقعه كربلا و چه در ساحت درايت آن - خودداري نمايد كه علي‌عليه السلام فرمود: «كَلِّمُوا النّاسَ عَلي قَدْرِ عُقُولهِمْ؛ أَتُريدُونَ أَنْ يُكَذِّبَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ».19. تعميق محبت عزاداران به امامان اهل بيت‌عليهم السلام براي مصون ماندن از آفات راه.20. تكراري نبودن! چون در عصر ارتباطات و انفجار اطلاعات كمتر كسي مايل است به توضيح واضحات و مطالب تكراري گوش فرا دهد لذا يك مبلغ موفق هميشه مطالب نو براي مخاطبان خويش بيان مي‌نمايد و آنان را در يك جريان مستمر فرهنگي پيش مي‌برد.سخنور نامدار و شاعر خوش‌گفتار سعدي چه شيرين سروده است:سخن گرچه دلبند و شيرين بود سزاوار تصديق و تحسين بودچو يك بار گفتي، مگو باز پس كه حلوا چو يك بار خوردند، بس21. پرهيز از اطاله كلام و اطناب ملال‌آور كه باعث خسته شدن شنوندگان است.رايموندد ونكن گويد: «اگر شما شنوندگانتان را ترك كنيد، بهتر از آن است كه شنوندگانتان شما را ترك كنند». [55] .22. مبادرت به تصحيح اشتباه بعد از وقوع.23. توقف كوتاه پس از اتمام سخنراني براي پاسخگويي به مستمعان.24. پرهيز از بيان مطالب بي‌اساس و نوآوري‌هاي بي‌بنياد نهراسيدن از گفتن «نمي‌دانم» كه اين سخن نشانه بزرگواري و پارسايي و نيمي از دانش است. هيچ كس از يك گوينده انتظار ندارد كه همه چيز را بداند ولي اميد آن را دارد كه اگر چيزي را نمي‌داند، صادقانه بگويد نمي‌دانم. [56] .25. اگر مجتهد نيست، در زمينه احكام فتوا ندهد زيرا در آيات فراوان از فتواي بدون علم نكوهش شده است از جلمه طبق نقل تحف العقول پيامبر اسلام‌صلي الله عليه وآله فرمود: «كسي كه بر مردم، بدون علم فتوا دهد، فرشتگان آسمان و زمين او را لعنت مي‌كنند».26. تذكر و نقد كار مداح تازه كار در جلسه خصوصي در صورت نياز.27. پرهيز از خودستايي و به كار نبردن كلمه «من».28. احترام به ديگر خطيبان مجلس.29. بدون وضو بر منبر قرار نگيرد.30. ذكر مصيبت در خاتمه مجلس، ولو از روي مقتل. زيرا خداوند و جبرئيل و فرشتگان و بسياري از انبياء روضه‌خوان و گريه كننده بر امام حسين‌عليه السلام بوده‌اند و ترك آن، دوري از راه خدا و فرشتگان و پيشوايان دين است.متأسفانه عدم توجه به اين امر مهم كه نزد ائمّه‌عليهم السلام اهميت فراواني داشته، مقدمه پيدايي بعض آفات مداحي شده است.31. صبر در راه تبليغ دين.اداي وظيفه تبليغ به دليل شرايط فرهنگي خاص حاكم بر برخي از محيطها چندان ساده نيست و قطعاً مسائل و مشكلاتي را به همراه خواهد داشت. لازمه‌اش تحمل سختي‌ها و بر خويشتن هموار كردن رنج است.آنچه را آدمي در دوران نوجواني درباره موضوعي شنيده و به عنوان يك حقيقت و اصل مسلم پذيرفته به آساني از آن دل نمي‌كند لذا براي قبولاندن نظريه صحيح به زبان و دقت بيشتر و شرح صدر احتياج دارد و بدون صرف رقت و بردباري به موفقيت نمي‌رسد. افزون بر اين گاه، مورد بي‌مهري مخاطبان واقع مي‌شوند.32. آغاز منبر با نام نامي و ياد گرامي حضرت بقية اللَّه - ارواحنا فداه - و ختم مجلس با دعا و نيايش براي سلامتي و تعجيل در امر فرج آن حضرت.

## نواي شاعران حسيني

توصيه‌هاي امامان اهل بيت‌عليهم السلام مبني بر بزرگداشت واقعه دلخراش طف و عمق و شدت تراژدي عاشورا از عواملي است كه بسياري از اديبان متعهد را از دوره‌هاي خفقان‌بار اموي و عباسي تاكنون تحت تأثير قرار داد و عواطفشان را شعله‌ور ساخت و آنان سوگ سروده‌هايي از خود پيرامون واقعه كربلا بجاي گذاشته‌اند. [57] .شاعران پرشور آييني با انشاي اشعار نغز و بلند و دلنشين كه بيانگر عزت و مظلوميت حسيني است قيام عاشورا و ياد حسين‌عليه السلام و مظلوميت آل علي و شهيدان راه حق و كشتگان نينوا را ترسيم مي‌نمودند. و حكام و سلاطين اسلامي را به انتقام گرفتن از بني‌اميه، كه عامل حادثه هولناك طف بودند، سخت تحريك مي‌نمودند.اگر مضمون‌پردازي متناسب با شأن اهل بيت و اهداف والاي امامان به ادبيات عاشورا زيبايي و غناي خاص نمي‌بخشيد، اين مجالس كمتر مي‌توانست در جان سوگواران شور و انقلاب بر پا كند و آنان را متأثر سازد و شور دروني آنان را بر آشوبد، و شعور ناب را در آن فعال سازد.نقش شاعران بامعرفت آييني - كه خامه خويش را در جوهر، عاشورا فرو برده و مظلوميت و عشق و حماسه را با خوش‌ترين واژگان و شكوهمندترين سوگ سروده‌ها نمايانده‌اند - در زنده نگاه داشتن و پايايي حماسه عاشورا و ترويج فضائل اهل بيت‌عليهم السلام و تعميق محبت و معرفت اين اسوه‌هاي زندگي اساسي و تحسين برانگيز است و شاعران اهل بيت منزلت والايي دارند. زيرا الگوهاي بي‌بديل آسماني را كه خالق هستي ستوده است، مدح مي‌نمايند.آنچه شعراي اهل بيت بايد مورد توجه قرار دهند بدين قرار است:1. داشتن غيرت ديني و پاسخ به اشعاري كه به سفارش دشمن سروده شده است.2. مطالعه مقاتل صحيح و تاريخ‌هاي معتبر تا شعري كه انشاء مي‌شود اتكا به متون صحيح داشته باشد.امام حسين‌عليه السلام را صادقانه و عارفانه توصيف كند و منزه از هون و وهن و مبراي از تحجر باشد و فقط بر غم و اندوه و اشك و آه اقتصار ننموده، تصويري راستين از ستمكاري جاري شده بر علويان ارائه دهد. و از محتواي معتبر و آرمان‌گرا و قالب‌هاي وزين و سنگين و در عين حال زيبا و جذاب برخوردار باشد.3. آگاهي از تحريفات تاريخ عاشورا داشته باشد تا از گزند آفات اين مسير دور بماند.4. دور بودن از عقايد و افكار غلوآميز را وظيفه خود بداند. زيرا ريشه‌هاي فكري اماميه كه از قرآن كريم و سنّت صحيح مايه گرفته است با تصورات غاليانه سر ستيز دارد.شاعر مخلص اهل بيت در مدح پيشوايان دين نبايستي راه افراط و زياده‌روي را بپيمايد و از محدوده‌اي كه دين مبين تعيين فرموده، خارج شود. و اگر چه پيامبر اكرم و ائمّه اطهارعليهم السلام انسان‌هايي نمونه هستند، كه بايد فضايل و مقامات و درجات بلند آنان را گفت و تصديق كرد، اما افراط مقوله ديگري است كه به شدت مورد نهي و نكوهش قرار گرفته است و پيشوايان با تمام تلاش خود را براي اصلاح اين انحرافات و نجات آلوده‌شدگان به كار گرفته‌اند. علي‌عليه السلام درباره خود فرمود: «هَلَكَ فِيَّ رَجُلانِ: مُحِبٌّ غالٍ وَ مُبْغِضٌ قالٍ؛ [58] دو مرد (دو طرز تفكر) درباره من تباه و نابود شدند، (يكي) دوست افراطگرا و (ديگري) دشمني كه در دشمني، زياده‌روي نمايد». آن حضرت در سخني ديگر در پرهيز از غلو درباره اهل بيت‌عليهم السلام فرمود: «إِيّاكُمْ وَ الْغُلُوَّ فِينا؛ [59] از غلو و زياده‌روي درباره اهل بيت بپرهيزيد». امام صادق‌عليه السلام در ضمن روايتي فرمود: «إِنَّ قَوْمًا يَقُولُونَ مالا نَقُولُ فِي أَنْفُسِنا، نَبْرَأُ إِلَي اللَّهِ مِنْهُمْ؛ [60] گروهي درباره ما (خاندان نبوت) چيزهايي مي‌گويند كه ما خود نمي‌گوييم، از اينان بيزاري مي‌جوييم و به خدا پناه مي‌بريم».امثال اين‌گونه روايات در كتب شيعه، فراوان يافت مي‌شود و بزرگان شيعه نيز همين روش را پي گرفته‌اند؛ لذا پيروان آگاه ابا عبداللَّه‌عليه السلام به گوينده‌اي كه اشعار غير صحيح كه از آن بوي كفر و شرك استشمام مي‌شود، استفاده مي‌كند، اجازه نمي‌دهند در مجالس حسيني به اجراي برنامه بپردازد.ممكن است برخي با دستاويز قرار دادن برخي از احاديث مثل: «نَزِّلُونا عَنِ الرُّبُوبِيَّةِ وَ قُولُوا فِي فَضْلِنا ما شِئْتُمْ» [61] سروده‌هاي غلوآميز شاعران را موجه جلوه دهند، اما اين پندار بر پايه درستي استوار نيست. زيرا همان‌گونه كه يكي از فقهاي عاليقدر معاصر مرقوم فرموده‌اند «اعتبار اين حديث محقق نيست و ضعيف است». [62] .5. شعرش بدآموزي نداشته باشد. در بعضي يادداشت‌ها آمده است، شاعري زبردست و ولايي كه حاجب تخلص داشت، در وصف امير مؤمنان‌عليه السلام شعر نامناسب زير را سرود:حاجب اگر معامله حشر با علي‌است من ضامنم، تو هر چه بخواهي گناه كناين محبت كاذب كه در اين بيت ترويج شده بسيار خطرناك و چراغ سبزي براي بزهكاران است. شنونده يا خواننده اسير دام هوس به واسطه اعتماد بر مضمون اين بيت، ديگر اهميتي به سيئات و گناهان نمي‌دهد و عملاً بي‌تقوايي و بي‌پروايي از خدا را پيشه خود مي‌سازد در حالي كه امام حسين‌عليه السلام كشته نشد كه به دست ما در گناه باز باشد بلكه به شهادت رسيد تا ريشه گناه سوزانده شود.جالب توجه آنكه شاعر مزبور شبي در عالم رؤيا علي‌عليه السلام را ديد، امام به او فرمود: حاجب اين چه شعري است كه گفته‌اي؟ شاعر گفت: چگونه بسرايم؟ امام‌عليه السلام پاسخ داد:حاجب اگر معامله حشر با علي است شرم از رخ علي كن و كمتر گناه كن6. رعايت ادب و احترام به اهل بيت‌عليهم السلام. از آنجا كه ستايشگران و شاعران آييني در خدمت ذوات مقدس مثل اعلاي انسانيت و تنديس اخلاق هستند، بايستي در نهايت ادب و فروتني از آنان سخن بگويند.در به كار بردن كلمات احترام‌آميز نسبت به آن بزرگواران نهايت دقت را داشته و بدين سان حرمت و عصمت آنان را پاس بدارند. و از به كارگيري عبارات خارج از شأن والاي ائمّه هدي‌عليهم السلام و مضامين واهي و يا مجعول كه نوعي تحقير و كوچك شمردن ايثارگران كربلا و نشانگر ضعف و ناتواني و ذلت‌پذيري و خواهش امام حسين‌عليه السلام و يارانش در مقابل دشمن است و باكيان ذاتي اين شخصيت استثنايي در تعارض است، جداً پرهيز كنند.در برخي موارد توجه افراطي مرثيه‌سرايان و نوحه‌خوانان به عناصر عاطفي براي گرفتن اشك از مخاطبان منجر به اشعاري بس منفعلانه از اعمال و رفتار قهرمان عاشورا در برابر دشمنانشان شده است. عالم متقي مرحوم محدث قمي نوشته است:مطلبي را كه ذلت امام حسين‌عليه السلام و اهل بيت گران‌مقامش را برساند، نگو زيرا آن جناب آقا و بزرگ سرافرازان و غيرت‌مداران بود. جان دادن زير شمشير را بر خواري و ذلت برگزيد و با نداي بلند و آتشين روز عاشورا فرياد كرد: «أَلا وَ اِنَّ الدَّعِيَّ اِبْنَ الدَّعِيِّ قَدْرَكَزَ بَيْنَ اثْنَتَيْنِ: بَيْنَ السِّلَّةِ وَ الذِّلَّةِ وَ هَيْهاتَ مِنَّا الذِّلَّةُ يَأْبَي اللَّهُ لَنا ذلِكَ وَ رَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ». [63] ناپاك پسر ناپاك (ابن زياد) مرا بر سر دو راهي نگه داشته است مرگ يا ذلت. هرگز تن به ذلت نمي‌دهم. هيهات كه زبوني را قبول كنم. خدا آن را براي ما نمي‌پذيرد پيامبر و مردان با ايمان نيز از پذيرش آن ابا دارند.بر ما گمان بردگي زور برده‌اند اي مرگ همتي كه نخواهيم اين قيوداكنون كه ديده هيچ نبيند به غير ظلم بايد ز جان گذشت كزين زندگي چه سوداستاد محدث متبحر حاج ميرزا حسين نوري - خدا مرقدش را نور باران كند - در «دارالسّلام»، حكايتي دارد كه گزيده آن چنين است:يكي از سادات اهل منبر در خواب ديد، رستاخيز برپا شده است و مردم وحشت‌زده‌اند و هر كس به احوال خويش مشغول است. كارگزاران و موكلان حساب، مردم را به پاي حساب مي‌برند و با هر فردي گواه و مأمور جلبي است، تا اينكه مرا به پاي حساب بردند.در آنجا منبري بود بسيار بلند و پرپلّه. سيّد المرسلين،صلي الله عليه وآله بر بالاي منبر نشسته و علي‌عليه السلام بر پلّه اوّل بود و مردم را حساب مي‌رسيد. همه در برابر او صف كشيده بودند. نوبت به من رسيد با عتاب به من فرمود: چرا فرزند عزيزم حسين را به خواري نام بردي و او را به خواري نسبت دادي؟ من در جواب آن حضرت حيران شدم و چاره‌اي جز انكار نديدم.ناگاه در بازوي خود دردي احساس كردم، گويا ميخي بر آن فرو كردند.چون به پهلوي خود نگاه كردم، ديدم مردي طومار در دست دارد. آن مرد طومار را به من داد. طومار را گشودم، تمام صورت مجلس‌ها و منابر من در آن، به طور مفصل، ثبت شده بود. آنچه از من پرسش شده بود و من منكر گشتم در آن درج شده بود. آن خواب سبب گرديد كه آن سيّد منبر و موعظه را رها كند. [64] .سيّد حميري كه از شاعران متعهد است روزي با جعفربن عفان برخورد كرد، سيد حميري به وي گفت: واي بر تو آيا درباره آل محمّدصلي الله عليه وآله اين‌گونه شعر مي‌سرايي؟ما بالَ بَيْتُكُمْ تَخْرُبُ سَقْفُهُ وَ ثِيابُكُمْ مِنْ أَرْذَلِ الأَْثْوابِچه شد خانه‌تان كه سقفش خراب است چرا جامه‌تان پست‌ترين جامه‌ها شدجعفر در پاسخ گفت: مگر غير از اين بود؟ سيد حميري با ناراحتي گفت: اگر از مدح نيكوي آنها ناتواني، لب فروبند. آيا آل محمّدعليهم السلام، را اين‌گونه وصف مي‌كنند؟ من تو را معذور مي‌دارم، طبع تو چنين است و سطح فكرت همين قدر است ولي من مدحي گفته‌ام كه ننگ مدح تو را از دامن پاك آنان مي‌زدايد و آن اين است:أُقْسِمُ بِاللَّهِ وَ آياتِهِ وَ الْمَرْءُ عَمّا قال مَسْئُولٌإِنَّ عَلِيَّ بْنَ أبِي‌طالبٍ عَلَي التُّقي وَ الْبِرِّ مَجْبُولٌوَ إِبْنُهُ كَانَ الإِمَامَ الَّذِي لَهُ عَلَي الأُمَّةِ تَفْضِيلٌيَقُولُ بِالْحَقِّ وَ يَعْنِي بِهِ وَ لا تُلْهِيهِ الأَْبَاطِيلُيَمْشِي إِلَي الْقَرْنِ وَ فِي كَفِّهِ أَبْيَضَ مَاضِي الْحَدِّ مَصْقُولٌمَشْيَ الْعَفَرْنَي [65] بَيْنَ أَشْبَالِهِ أَبْرَزَهُ لِلْقَنَصِ الْغِيلُذَاكَ الَّذي سَلَّمَ فِي لَيْلَةٍ عَلَيْهِ مِيكَالٌ وَ جِبْرِيلُمِيكَالُ فِي أَلْفٍ وَ جِبْرِيلُ فِي أَلْفٍ وَ يَتْلُوهُمْ سَرَافِيلُلَيْلَةَ بَدْرٍ مَدَداً أُنْزِلُوا كَأَنَّهُمْ طَيْرٌ أَبَابِيلُفَسَلَّمُوا لَمَّا أَتَوْا حَذْوَهُ وَ ذَاكَ إِعْظَامٌ وَ تَبْجِيلٌآري، درباره آن بزرگان چنين بايد شعر گفت سروده تو لايق تنگدستان و درماندگان است.سوگند به خدا و به نعمت‌هايش همانا آدمي مسؤول چيزي است كه مي‌گويد. همانا علي بن ابي‌طالب بر نيكي و پرهيزگاري سرشته شده است. او پيشواي هدايتگري است كه بر همه امت برتري دارد. همواره سخن حق مي‌گويد و به حق متوجه است و هيچ گاه كارهاي باطل او را به خود مشغول نمي‌سازد. آنگاه كه ميدان جنگ را نيزه‌ها فرو گرفت و پهلوانان از آن مي‌گريختند. او به سوي هماورد خود مي‌رفت در حالي كه شمشيري بران و صيقل خورده در دست او بود. به شيري مي‌ماند كه در ميان بچه شيران به راه افتاده و بيشه‌زارها او را براي شكار تهييج نموده است.او همان بزرگي است كه در يك شب ميكائيل و جبرئيل و اسرافيل و هزار فرشته بر او درود فرستاده‌اند. در شب بدر مانند طير ابابيل آن فرشتگان براي ياري او فرود آمدند و چون در برابر علي رسيدند از روي تكريم و بزرگداشت بدرود فرستادند.جعفر، پيشاني او را بوسيد و با ادب و احترام گفت: تو اي ابا هاشم به حق سرور شاعران و ما پيروان توييم. [66] .بنابراين شاعران و مداحان بايد شيوه شاعران پرشور شيعي چون كميت‌ها، سيد حميري‌ها، عبد كوفي‌ها سيد رضي‌ها و سيد حيدر حلي‌ها و... را برگزينند. و شعري را كه نماد حقيقت نهضت حسيني و ارزش آن باشد بسرايند و بخوانند و از خواندن اشعار ضعيف، سست و بي‌مدرك در مدح و رثاي اهل بيت نبوت پرهيز كنند و از دروغ و جعليات كه موجب وهن مقام معصومين مي‌شود دوري نمايند.شاعر ستايشگر بنام آييني و مداح با اخلاص اهل بيت، جناب آقاي غلامرضا سازگار (ميثم) مي‌گفت: روزي به ديدار مرحوم حجّة الاسلام علي‌اكبر صلح‌خواه متخلص به «خوشدل تهراني» كه تبيين اهداف مقدس نهضت حسيني را وجهه همت خود قرار داده بود، رفتم، گفت: حضرت امام، فرزند خود جناب حاج احمد آقا را با انعامي نزد من فرستاد و اين انعام به خاطر اين قطعه بود:بزرگ فلسفه قتل شاه دين اين است كه مرگ سرخ به از زندگي ننگين استحسين، مظهر آزادگي و آزادي است خوشا كسي كه چنينش مرام و آئين استنه ظلم كن به كسي، ني به زير ظلم برو كه اين مرام حسين است و منطق دين استهمين نه گريه بر آن شاه تشنه لب كافي است اگر چه گريه بر آلام قلب، تسكين استببين كه مقصد عالي وي چه بُد اي دوست كه درك آن سبب عزّ و جاه و تمكين استز خاك سرخ شهيدان كربلا خوشدل دهان غنچه و دامان لاله رنگين است [67] .

## رسالت مقدس و بايدهاي مداحي

از آنجايي كه مداحي در ايام سرور و شادي و مرثيه‌خواني در عزاي معصومان مظلوم - كه درود خدا بر آنان باد - هنري مقدس و حرفه‌اي بس والا و ارزشمند است و در صورتي كه توأم با قصد قربت، باشد و همراه با رفتارهاي خلاف شرع نباشد جزو كارهاي عبادي است و براي تصدي آن شروط و قيودي وجود دارد، بر آنان كه قصد پيوستن به جمع خدمتگزاران آستان والاي امام حسين‌عليه السلام و مداحان با اخلاص اهل بيت‌عليهم السلام را دارند لازم است، اموري را پاس دارند تا در زمره بزرگ‌شماران شعائر الهي قرار گرفته، و بر ارشاد و هدايت بندگان خدا، و تبليغ بالاترين ركن دين يعني «محبت و ولايت» توفيق يابند و به پاداشهاي فراوان دست يابند. بر آنان لازم است علاوه بر پيراستگي از بدي‌ها و تحصيل قداست روح و نزاهت جان و برخورداري از كردار نيك و اخلاق رفيع اسلامي (وَ مَنْ أَحْسَنُ قَوْلاً مِمَّنْ دَعا إِلَي اللَّهِ وَ عَمِلَ صالِحًا.) [68] و رعايت تقوا از تمام آلودگي‌ها دوري كنند و به اوامر و نواهي خداوند پايبند باشند و به خاطر سالم ماندن از خطرات به خدا پناه برده و از او كمك بخواهند.و خداوند را شاكر باشند كه مهر آل علي و عشق رسول اللَّه‌صلي الله عليه وآله و اهل بيت آن حضرت را به عنوان بهترين سرمايه در دلشان قرار داد، آنان را به ولايت چهارده معصوم هدايت كرد و به آنان توفيق داد تا در زيِّ شريف مداحان درآيند و احساس و زبان و هنر خود را در خدمت پيشوايان دين نهاد و عمري را در جهت عشق به اهل بيت‌عليهم السلام با حضور در جلسات مذهبي به ذكر ائمّه اطهار بويژه گلگون كفن صحراي كربلا و يارانش بگذارنند و قلب‌ها را عاشق شيداي چهره‌هاي پاك اهل بيت بسازند. از خدا بخواهند اين منصب ارادتشان حفظ گردد.نماد خادمان ولايي1. مداح موفق براي ايفاي نقش مهم مداحي قبل از اجراي برنامه مي‌كوشد با شركت در كلاس‌هاي مربوطه بر مجموعه‌اي از معارف علمي و تاريخي آگاهي پيدا كند تا معرفت خود را نسبت به ممدوحان بالا ببرد و با معرفت به منزلت واقعي آنان و توانايي براي مجلس‌داري به ستايشگري روي آورد. و ضمن مطالعه كتاب‌هاي معتبر در باب زندگي پيشوايان اسلام و خواندن مقاتل معتبر و استفاده از تجربيات اساتيد و پيش‌كسوتان از متون ادبي هدفمند، اشعاري را دست‌مايه كار خود قرار دهد كه جمال صورت را با كمال مضمون، يكجا داشته باشد و به ديگر عبارت افزون بر خصايص عاطفي و خيال، و به كارگيري صنعت‌هاي بلاغي، بار اعتقادي و پيام داشته باشد. و معرف مقام پيامبرصلي الله عليه وآله، اهل بيت‌عليهم السلام، حقانيت، عزت و كرامت و در عين حال مظلوميت آنان باشد.مداحان جوان مي‌توانند نيازهاي ضروري كار خود را از مجموعه‌هاي شعري زير برآورده سازند كه مشتمل است بر مرثيه‌هاي آگاهي‌دهنده و متين و پرمحتوا كه سرايندگان آنها ظرافت لفظ را با صلابت و اتقان معنا چون شير و شكر در هم آميخته‌اند و فراهم آورندگان در سياحتي روحاني گوهرهاي درخشان از دل درياي ادب عاشورايي به دست آورده و سخاوتمندانه تقديم خوانندگان خويش كرده‌اند.مجموعه‌هاي شعري كه توسط آقاي احمد احمدي بيرجندي، و مجموعه‌هايي كه به انتخاب و اهتمام آقاي محمّد علي مجاهدي (پروانه)، و مجموعه‌هايي كه به كوشش آقاي محمّد علي مرداني و نيز مجموعه‌اي كه توسط آقاي حاج علي انساني و شاعر مجاهد و هدفمند، آقاي حاج صادق تائب گزينش شده است.روشن است مداحي كه استاد نديده و در جهت غناي فكري و محتوايي برنامه خويش نمي‌كوشد و با علماي صالح ارتباط ندارد، نمي‌تواند مطالبي را در اختيار مداح گذاشته‌اند گرانبهاتر باشد. و نمي‌تواند كلمات عربي را كه گاه جابجايي يك حركت اعراب، معني را خراب مي‌كند صحيح تلفظ كند.2. اصلاح نيت و جلب رضايت خداي مهربان يكي از مسائل با اهميتي كه براي مديحه‌سرايان و مداحان توجه به آن ضروري و ارزش‌آفرين است پاكسازي نيت و دوري از ريا و ظاهرسازي است. چون عزاداري براي عزيزان درگاه خدا، امري عبادي (نه توصلي) است [69] و عبادت بدون قصد قربت و خلوص نيت مورد پذيرش واقع نمي‌شود، از اين رو بايسته است مداح و ذاكر اهل بيت‌عليهم السلام اخلاص را كه جوهر، خدايي است در خود پديد آورد و فقط براي رضايت خداوند و خشنودي پيامبرصلي الله عليه وآله و امامان پاك مداحي كند تا عمل بي‌شائبه او نزد خدا و خلق و در پيشگاه ارواح طيبه معصومان مقبول واقع شود. در غير اين صورت هيچ تأثيري در قلوب بر جاي نخواهد گذاشت و خواندنش تنها در بستر شنيدن جاري است و بس.علّامه نوري طبرسي ضمن تأكيد فراوان بر اين مسئله مي‌نويسد:البته (مرثيه‌خوانان) و روضه‌خوانان بايد بدانند و ملتفت شوند كه اين عبادت، مانند ساير عبادات است و اين عمل آنگاه عبادت شود كه در هنگام بجاي آوردن آن، جز رضاي خداوند و خشنودي رسول و ائمّه هدي‌عليهم السلام غرض و مقصدي نداشته باشد و اگر دارد، همان مجرد يافتن ثواب‌هاي موعوده و پاك شدن از گناهان مهلكه باشد كه با اخلاصي در عمل منافاتي ندارد. چه عمل باز براي فرمان‌برداري از فرمان خود حضرت باري تعالي است كه به وسيله آن، به آن ثواب‌ها برسد و از شر گناهانش ايمن شود. [70] .3. قبل از اجراي برنامه با دعا و خواندن آية الكرسي، دادن صدقه و استعاذه واقعي خود را به خداي توانا بسپارد و با استمداد از روح بلند چهارده معصوم پاك، برنامه خود را با نام خداي سبحان آغاز كند و بعد از آن درود و صلوات بر سرور عالميان و آل پاك او بفرستد.4. هدف كلي او احياي امر و انديشه امامان و ارزش‌هاي ديني، معنوي و فرهنگي و احياي روحيه جهاد و شهادت‌طلبي و زنده داشتن ياد و تاريخ پرشكوه نهضت حسيني و حماسه‌آفرينان آن باشد. و از عواطف پاك دوستداران اهل بيت و جهت دادن به آنها در مسير تهذيب نفس و آراستگي اخلاقي نيكو به نحو شايسته استفاده كند. و در بالا بردن سطح مطالبات بانيان و شنوندگان از كيفيت شعرها، شأنيت سبك‌ها و نغمه‌ها، تلاش كند.5. نغمه‌ها و سبك‌هاي زيباي سنتي نبايستي غناآور باشد و هيچ گونه شبهه و شباهتي مستقيم با نغمات لهو و لعب نداشته باشد.مداحان، به لحاظ آنكه كارشان بر دو عنصر «صدا»، «شعر» متكي است، بايد مواظب باشند غنا نخوانند زيرا در حرمت غنا ميان عالمان شيعه خلاف نيست. [71] و ادله منع، و عدم ثبوت مخصص، غنا كردن در مجالس حسيني نيز حرام است و از قداست و موقعيت آن مي‌كاهد. در اين بند از كلام سخن يكي از علماي بزرگ را نقل مي‌كنيم كه فرموده است:اعانت غناء بر بكاء و تفجع ممنوع است، چه دانستي كه غنا، صوت لهوي است و لهو را با بكاء و تفجع مناسبتي نيست، بلكه بنابر ظاهر تعريف مشهور كه او را ترجيع مطرب دانسته‌اند همچنين است، چه طرب، مطلق اختلاف حالت است و طربي كه حاصل مي‌شود از او اگر سرور باشد منافي تفجع است نه معين بر او، و اگر حزن باشد به جهت آن است كه در نفوس حيوانيه از فقد مشتهيات نفسانيه مركوز است نه به جهت آنچه به سادات زمان و عترت خاتم پيغمبران رسيده، بر فرض كه اعانت كند توقف مستحبي يا مباحي بر امري دليل بر اباحه او نيست، بلكه لابد بايد ملاحظه دليل حرمت كرد، اگر بود بسيار خوب و الا به حكم اصل، محكوم به اباحه خواهد شد. به هر صورت جايز نيست تمسك در اباحه به اينكه مقدمه امر غير حرام است.و آنچه از كلام او ظاهر مي‌شود كه فرموده در مراثي طرب نيست، نظر به مثل مراثي متعارفه نزد اهل ديانت است كه مقصود ايشان از مرثيه جز تفجع نيست. و گويا حادث نشده بوده در عصر او مراثي آن چناني كه اكتفا مي‌كنند اهل لهو و خوش‌گذران‌ها از مردان و زنان به آن مراثي از حضور مجالس لهو و ضرب اعواد و اوتار و تغني به قصب و مزمار، چنانچه شايع است در زمان ما، و چنانچه خبر داده پيغمبرصلي الله عليه وآله به نظير او در آنجا كه فرموده: يَتَّخِذُونَ الْقُرآنَ مَزامِيرَ.چنانچه زيارت حضرت سيد الشهداءعليه السلام سفرش از اسفار لهو و نزهت شده براي كثيري از مترفين.و همانا پيغمبرصلي الله عليه وآله خبر داده به نظير او در سفر حج و فرموده: اغنياي امت من براي نزهت حج مي‌كنند، و اوساط براي تجارت، و فقرا براي سمعه و گويا كلام آن حضرت مثل كتاب عزيز است كه وارد است در موردي و جاري است در نظير او.6. مداحي را وسيله كسب خويش نسازد. برگزاركنندگان مجالس حسيني ذاكر منيع الطبعي كه رعايت انتساب خود را به خاندان وحي مي‌كند و عزت نفس دارد، بسيار دوست داشته و او را بيشتر تحويل مي‌گيرند و به عنوان گوشه‌اي از ارادت و عشق به ائمه هدي‌عليهم السلام از پرداخت وجه به آنان مضايقه نداشته و ندارند، ليكن تبديل شدن اين فرهنگ به نوعي كسب و كار سودآور و تعيين پيش‌شرطها و پيش پرداخت‌هاي مالي و حرفه‌اي شدن، وجهه مداحان عزيز را ملكوك مي‌سازد.در حديثي حال اين گونه مردم چنين بيان شده، گفته‌اند: يَطْلُبُونَ الدُّنْيا بِاَعْمالِ الآْخِرَةِ؛ [72] با كار آخرتي دنيا را مي‌جويند.امام علي‌عليه السلام در نكوهش افرادي كه از راه استفاده بي‌مورد از علاقه‌هاي ديني مردم امرار معاش مي‌كنند فرموده است: «الْمُسْتَأْكِلُ بِدِينِهِ حَظُّهُ مِنْ دِينِهِ ما يَأْكُلُهُ. [73] كسي كه نان به دين مي‌خورد، بهره او از دينش همان است كه مي‌خورد».تجربه نيز اين واقعيت را تأييد مي‌كند. اگر بانيان مجالس و مستمعان ببينند مداحي همواره دم از پول مي‌زند و خداي ناخواسته در رفتارش بي‌مبالاتي وجود دارد، عزت او از دست رفته و از نفوذ كلامش كاسته مي‌شود و اسباب غيبت و تهمت عليه خود را نيز فراهم مي‌سازد و اين به هيچ وجه لايق شأن مداحان مذهبي نيست. چه بسيار افرادي كه به واسطه عملكرد ناصحيح برخي از مداحان، از جمع اين نوكرهاي با اخلاص حسيني دلسرد شده‌اند.مرحوم آيت‌اللَّه بيرجندي مي‌نويسد: «احوط بلكه متعين آن است كه شرط اجرت ننمايد. چه موعظه و ذكر فضائل و مراثي اولياء اللَّه از عمده مستحبات است. و عمل واجب و مستحب شرعي آن است. كه حق خداوند عزوجل است كه آن را بجاي بياورد. پس بجاي آوردن آن براي اجرت منافي با بودن آن است اداء حق الهي هر چند قصد قربت در آن شرط نباشد». [74] .7. پذيرش دعوت بانيان بدون تبعيض. يكي ديگر از بايسته‌هاي مرثيه‌خواني و ذكر مصيبت خاندان وحي اين است كه ذاكران و مداحان بدون تبعيض هر جا كه فرا خوانده مي‌شوند، حضور يابند و به ارادت خالصانه مردم پاسخ مثبت بدهند و بين ثروتمند و مستمند، مسؤول و غير مسؤول، شهري يا روستايي فرق نگذارند.بوده‌اند مبلغان و ذاكران بزرگواري كه دست رد به سينه هيچ مشتاقي ننهاده‌اند. و وقتي امر داير شده، كه در ساعتي معين در منزل كارگر فقيري انجام وظيفه كنند يا فردي ثروتمند، فقير را ترجيح داده‌اند و معتقد بودند شايد امام زمان(عج) جلسه پر جمعيت فلان هيئت را ناديده بگيرد و در كوچه پس كوچه‌هاي شهر در جلسه كهنسال مخلصي كه با حضور چند نفر محفل كوچك و بي‌ريايي تشكيل داده شركت نمايد.8. احياي نام ياران امام. به ياد كرد همه ياران پاكباز و اصحاب فداكار امام حسين‌عليه السلام و اسيران سرافراز كربلا توجه داشته باشد.تنها به ذكر مصيبت برخي از آنان بسنده نكند، زيرا در نمايش عاشورا همه سرباز - به معني واقعي كلمه - بودند. نقش قهرمان را تنها بعضي از اصحاب بازي نكرده‌اند، بلكه هر يك در جاي خود و بجاي خود، سرباز و قهرمان بودند.9. ياد كرد از منتقم حقيقي. مجالس خود را با ياد حضرت مهدي (عج) - كه منتقم حقيقي واقعه كربلا است - پيوند زنند و توسل به آن حضرت و دعا براي فرج حضرتش را در برنامه خود قرار دهند.10. رعايت احترام پيش‌كسوتان. هر قوم و ملت و صنفي پيش‌كسوتاني دارد كه بايد از تجربيات آنها استفاده كرد و به شخصيت آنان احترام گذاشت زيرا ايشان نيز همان رسالتي را به دوش كشيده‌اند كه او ادامه‌دهنده آن است مگر نه اين است كه قرآن مي‌فرمايد: «وَ السَّبِقُونَ السَّبِقُونَ، أُوْلَل-ِكَ الْمُقَرَّبُونَ». [75] .11. نيز بايستي به گويندگان، سرايندگان، خدمتگزاران مجالس حسيني احترام بگذارد، چرا كه احترام به آنان، به نوعي احترام به امام حسين‌عليه السلام است.12. متانت و وقار توأم با تواضع: مداح مخلص ائمّه‌عليهم السلام در مجلس حسيني جانب متانت و وقار را نگه مي‌دارد و از به كار بردن عبارت‌هاي مستهجن و قبيح در جلسات شادي و سرور مي‌پرهيزد و مخاطبان را با تعبيرهاي وزين مورد خطاب قرار مي‌دهد زيرا مي‌داند اگر عفت كلام و ادب را در اين گونه مجالس مراعات نكند، مورد احترام مردم قرار نمي‌گيرد و به هدف خود كه اقناع و ترغيب مستمعان است نمي‌رسد.13. مستند گويي. استوار بودن سخن براساس منابع و مآخذ قابل قبول و مورد اطمينان، خاصه در ماه مبارك رمضان. به قول حافظ:در بساط نكته‌دانان خودفروشي شرط نيست يا سخن دانسته گو اي مرد بخرد يا خموشو زدودن مطالب ضعيف و باورهاي نادرست مربوط به حادثه عاشورا.14. اندازه نگهدار كه اندازه نكوست. در ذكر مصائب اندازه نگاه دارند و از خواندن روضه‌هاي دلخراش و مصيبت‌هاي بسيار فجيع پرهيز كنند.هنرمند كسي است كه بتواند از كنار مصيبت رد شود و مردم را به شور آورد. «كنايه» در ذكر مصيبت بهتر از صراحت است.15. اصلاح خطا. اگر در خواندن مرثيه اشتباهي كرد، در همان جلسه و اگر نتوانست در جلسه بعد، آن اشتباه را تصحيح نمايد.16. مختصر و مفيد. با رعايت زمان معين، مداحي را طولاني نكند خاصه در محافلي كه علاقه و زمينه كمتري نسبت به مداحي در آنها وجود دارد. به تعبير شاعر:حكيم و عاقل و دانا كسي بود كه سخن به فهم گويد و كم گويد و نكو گويد [76] .17. استيذان. در مجالس خصوصي بدون اذن صاحب مجلس، به مداحي نپردازد. و در مكان‌هاي وقفي كه متولي شرعي دارد، از متولي اجازه بگيرد.18. دوري از غرور. گاه كثرت مستمعان يا تعريف و تمجيدهاي آنان و گاه عوامل ديگر سبب غرور مداح مي‌شود كه با دانش اندك ادعاي دانايي تا عرش مي‌كند! اين روحيه اگر با تقوا و تزكيه نفس ريشه‌كن نشود، آفتي است بزرگ و مانع رشد و تكامل و اصلاح جان او.19. پرهيز از غلو. يكي از پي‌آمدهاي بسيار زيان‌بار غلو در مقوله عزاداري، بالا رفتن ظرفيت سوء استفاده دشمنان از اين گونه مراسم است؛ لذا يك مداح خوب از غلو دوري مي‌گزيند. يعني امام حسين‌عليه السلام را در جايگاه واقعي خودش معرفي كند نه كمتر و نه بيشتر، چون هر چيزي كه از حد اعتدال خارج شود، موجب انحراف خواهد شد. محبت به معصومان نيز از اين مطلب مستثنا نيست. همان طور كه اين انحراف در تاريخ رخ داد و موجب پيدايش غاليان شد.با كمال تأسف شنيده شده بعضي از مداحان به علت محبت خارج از حدي كه تابع احساسات و تخيلات است، در حال مداحي از راه اصلي منحرف شده و سخناني مطرح كرده‌اند كه تا سر حد شرك بوده است! در اين باب سخن‌ها دارم، ولي ناگفته اولي. براي در امان ماندن از غلو در مداحي، لازم است، همواره ديدگاه‌ها و نظرات مراجع عالي‌قدر تقليد و بزرگان حوزه علميه را مد نظر داشته باشند و از انجام هر نوع فعاليت مغاير با انديشه‌ها و ديدگاه‌هاي ايشان پرهيز كنند.20. پرهيز از به كار بردن القابي كه به شدت از مقام ائمّه‌عليهم السلام مي‌كاهد. اغلب مشاهده مي‌شود مداحان يا مرثيه‌سراياني كه به منظور عظمت دادن به حضرت امام زمان (عج) در مديحه‌سرايي ايشان را به لقب «اعلي‌حضرت» مي‌خوانند. اين دليل بر اين است كه فرهنگ واژگاني اين مديحه سرا آنچنان محدود است كه تصور نمي‌تواند بكند كه همان لقب «امام» هزارها بار والاتر و بالاتر از اين نوع القاب ساخته شده به دست بادمجان دور قاب‌چينان درباري است و هرگز در شئونات اين حضرات مقدس نيست كه حضرت رضا ثامن الائمه‌عليه السلام را شاهنشاه بخوانند، در حالي كه مرتبه شاهي بسي نازل‌تر از مقام امامت و ولايت است. [77] همين جا بايد افزود كه كاربرد نامناسب اسامي معصومان در مداحي‌هاي امروزي موجب هتك حرمت امام و وهن عزاداري‌هاست.21. برپايي مجالس. مديحت پرداز اهل بيت‌عليهم السلام نه تنها در جلساتي كه ديگران تشكيل مي‌دهند با اخلاص شركت مي‌كند و به هنگام استماع روضه حالت بكاء يا تباكي مي‌يابد بلكه خود نيز در صورت توان اقدام به تشكيل جلسات به مناسبت ولادت و شهادت پيشوايان ديني مي‌نمايد و از وعاظ فاضل دعوت به عمل مي‌آورد. و نيز در صورتي كه مجلس نداشته باشد پاي سخنان گوينده مجلس مي‌نشيند.22. تنفر از تملق گويي. مداح چاپلوس كسي است كه به انگيزه طمع برخلاف عقيده باطني خود، لب به تمجيد از صاحب مجلس مي‌گشايد و با ثناگويي نابجا، شخصيت و ارزش انساني خود را پايمال مي‌كند. بنابراين يك مداح خوب اگر در مواردي لازم است از صاحب مجلس و دست‌اندركاران مجلس روضه‌خواني و خدمات مفيد و انساني آنها از باب «مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمَخْلُوقَ لَمْ يَشْكُرِ الْخالِقَ» [78] تشكر كند، حد اعتدال را مراعات كرده از افراط و گزاف گويي و تعريف‌هاي غير واقعي و توصيف‌هاي اغراق‌آميز و چاپلوسي‌هاي گدامنشانه اجتناب نمايند كه از علي‌عليه السلام روايت كرده‌اند: «كِثْرَةُ الثَّناءِ مَلَقٌ يُحْدِثُ الزَّهْوَ وَيُدْنِي مِنَ الْعِزَّةِ» [79] از زياده‌روي در مدح ديگران، چاپلوسي است كه تكبر را به دنبال دارد. و شخصيت انسان را پايين مي‌آورد.23. پرهيز از سوگند. خداوند حميد در قرآن مجيد مي‌فرمايد: «وَلَا تَجْعَلُواْ اللَّهَ عُرْضَةً لِاَّيْمَنِكُمْ» [80] خدا را در معرض سوگندهاي خود قرار ندهيد.امام صادق‌عليه السلام فرمود: «وَلا تَحْلِفُوا بِاللَّهِ صادِقينَ وَ كاذِبينَ». [81] .به خدا سوگند مخوريد چه راستگو باشيد و چه دروغگو. زيرا قسم خوردن به اللَّه جز براي اثبات حق در محكمه قضايي مكروه يا حرام است.24. دعوت ميزبان خوشنام را در روستاها براي ميهماني بپذيرد.25. با طرح مسائل اختلاف‌انگيز خود را درگير اختلافات ديگران نكند.26. در حركت‌هاي سياسي، اجتماعي و اقتصادي دقت كند كه به دم يا قلم و قدم از سداد و وداد اعراض نكنند و خلاف شأن عمل نكنند و از زِيِّ ذاكران اهل بيت خارج نشود.27. هيئت ظاهري اين طايفه جليل، با مكانت او هماهنگ باشد.28. مداح بايد كوشش كند از مواضع تهمت دوري گزيند، كه گفته‌اند: «إِتَّقُوا مَواقِفَ الرَّيْبِ». در صورت عدم اجتناب از زمينه‌سازي اتهام خود و عموم مردم به خاطر سوء تفاهمي كه پيدا مي‌شود گرفتار سوء ظن و ديگر گناهان خواهند بود.29. پوشيدن لباس سياه در دو ماه عزا (محرم، صفر)، دست كم در دهه محرم، بويژه روزهاي تاسوعا و عاشورا.30. مراقب باشند كه آلت دست و وسيله اجراي مقاصد پست مغرضان و مفسدان و افراد فرصت‌طلب واقع نشوند و در حدود وظايف و تكاليف شرعيه خود به مداحي بپردازند.31. تكرار و تمرين داشته باشد تا مراثي و اشعار در ذهنش نقش ببندد و بتواند خود را تحت مراقبت‌هاي لازم قرار دهد.32. به مناسبت بخواند.33. خصوصيات منطقه‌اي و جغرافيايي منطقه‌اي كه براي مداحي به آنجا مي‌رود بشناسند و اهتمام به شكسته نشدن سنّت‌هاي صحيح اجتماعي داشته باشند.34. مداحان عزيز كه در منظر و مرآي مردمان وابسته به مكتب امام حسين‌عليه السلام شناخته مي‌شوند، بايد الگو و سمبل همه خوبي‌ها باشند. درست به خاطر همين وابستگي مردم انتظار دينداري تام و تمام از آنها دارند. از اين رو آنان بيشتر از ديگران بايد پايبند به دستورات و تعاليم اسلام باشند.گناه آنان با ديگران فرق دارد. زيرا هرگاه اينان بد عمل نمايند، خطر سست شدن مردم كم ظرفيت و كاهش پايبندي آنان به عزاي امام حسين‌عليه السلام و حتي رويگرداني از اسلام جدي است. مردم نيز متوجه باشند كه نمونه‌هاي فاسدي كه در جمع مداحان وارد شده‌اند به ماهيت حقيقي آنها پي برده و آنها را به حساب دين و امام حسين‌عليه السلام نگذارد.35. انتقادپذيري. انتقادناپذيري نشان عجب و خودخواهي و دليل كم‌دانشي است لذا مداحان مخلص به انتقاد صحيح به شيوه كارش با كمال ميل توجه كرده و در صدد رفع نواقص برمي‌آيند و براي نظر، انتقاد و پيشنهاد مردم ارزش و احترام قائل مي‌شوند.36. بي‌تكبر باشد تا مردم جذب او شوند.37. داراي اخلاق نيكو باشد. اخلاق نيكو از عوامل بسيار مؤثر در اثرگذاري پيام‌هاي مداحي است.

## پاورقي

[1] نك: صحيح بخاري، ج 1، ص 158، كتاب الجنائز، باب قول النبي انابك المحزون، و ص 204، كتاب اصحاب النبي، باب مناقب خالد بن وليد؛ طبقات ابن سعد، ج 3، ص 11، مغازي واقدي، ج 1، ص 317 - 315؛ تاريخ طبري، ج 2، ص 211، سيره ابن هشام، ج 3، ص 99، الاستيعاب، ج 1، ص 313؛ انساب الاشراف، ج 2، ص 43؛ السيرة الحلبية، ج 1، ص 461.  
[2] مسند احمد حنبل، ج 2، ص 40؛ طبقات ابن سعد، ج 2، ص 11،جواهر الكلام، ج 4، ص 364.  
[3] انساب الاشراف، بلاذري، ج 2، ص 276، الاستيعاب، ج 4، ص 238، اخبار مكه، فاكهي، ج 3، ص 80.  
[4] السيرة النبوية، ج 3، ص 171.  
[5] الفقه علي المذاهب الاربعة، ج 1، ص 502.  
[6] به آورده فقيه نامي ملا احمد نراقي‌رحمه الله برخي فقها و مفسران را عقيده برآنست كه آيه 32 مجادله «و من يعظم شعائر اللَّه فانها من تقوي القلوب» عموميت و شمول دارد. عوايد الايام، ص 31.  
[7] نمونه را نك: تاريخ طبري، ج 3، ص 342، الاغاني، ج 24، ص 163؛ العقد الفريد، ج 4، ص 383.  
[8] المنتظم، ج 7، ص 15،آل بويه از فقيهي، ص 466؛ تاريخ الاسلام ذهبي، ذيل حوادث سال 352؛ تاريخ ابن الوردي، ج 1، ص 280، عضدالدوله، ص 119.  
[9] خطط، ج 1، ص 427، چاپ بولاق؛ فاطميان در مصر، ص 116. [  
[10] نك: الفرق بين الفرق، ص 36، ابن تيميه، القرآن و السيف، المنتخب من مدونات التراث، ص 372، بدايع الوقايع، 1356؛ النقض، ص 373 - 370؛ شيخ محمود شلتوت طلايه‌دار تقريب، ص 30.  
[11] از باب نمونه تنها در كتاب‌شناسي امام حسين‌عليه السلام‌اثر آقاي نجفقلي حبيبي 878 عنوان كتاب درباره حسين بن علي‌عليه السلام معرفي شده است و نيز نك: كتاب‌شناسي تاريخي امام حسين‌عليه السلام از محمّد اسفندياري و كتاب‌شناسي اختصاصي امام حسين‌عليه السلام از حشمت‌اللَّه صفرعلي‌پور.  
[12] عيون اخبار الرضاعليه السلام، ج 1، ص 60؛بحارالانوار، ج 36، ص 205، ج 94، ص 184.  
[13] بحارالانوار، ج 43، ص 261، صحيح ترمذي، ج 2، ص 307؛ صحيح ابن ماجه، باب فضائل اصحاب رسول خداصلي الله عليه وآله؛ مستدرك الصحيحين، ج 3، ص 177؛ فضائل الخمسه، ج 3، ص 262.  
[14] آغاز اسلام به وسيله محمّدصلي الله عليه وآله، و بقاء آن به همت حسين‌عليه السلام مي‌باشد.  
[15] نيز نك: صحيفه نور، ج 21، ص 173.  
[16] دور المنبر الحسيني في التوعية الاسلامية، ص 113 - 112؛ منهج في الانتماء المذهبي، ص 32 - 31؛ لقد شيعني الحسين‌عليه السلام، ص 65 - 63 و 315 - 313؛ آنگاه هدايت شدم، ص 98-96 به نقل از واقعه عاشورا و پاسخ به شبهات.  
[17] نك: صحيفه نور، ج 2، ص 11 و ج 16، ص 219 و ج 17، ص 255.  
[18] زندگي آيت اللَّه بروجردي، ص 146.  
[19] نك: راه و رسم تبليغ، كبريت احمر.  
[20] نك: عيون اخبار الرضاعليه السلام، ص 368؛ الامالي، ص 214؛ معاهد التنصيص، ص 16؛ الغدير، ج 2، ص 1920 - 193،36؛ نفس المهموم؛ مثيرالاحزان، ص 44؛ ادب الطف، ص 53 - 52.  
[21] وسائل الشيعه، چ آل بيت، ج 14، ص 594-592؛ رجال كشي، ج3، ص187؛ بحارالانوار، ج44، ص183.  
[22] نمونه‌هايي از سوگ سروده‌هاي معصومان‌عليهم السلام در اين منابع آمده است: سفينة البحار، ج 3، ص 304 - 302؛ ادب الطف، ج 3، ص 304 - 300 و ج 7، ص 621 - 620؛ روائع الاشعار من ديوان الائمة الاطهار، ص 417 - 402،398 - 395.  
[23] نك: البكاء للحسين‌عليه السلام از مير جهاني.  
[24] نك: بحارالانوار، ج 93، ص 434. تباكي يعني خود را به گريه واداشتن و تعاون و همراهي و همياري در آن.  
[25] امالي شيخ صدوق، ص 112.  
[26] بحارالانوار، ج 44، ص 286. ج 101، ص 103 به نقل از عيون الاخبار، ج 1، ص 299 و امالي صدوق، ص 129.  
[27] درباره اين موضوع در كتاب راهيان كوي يار سخن گفته‌ايم. نيز نك: نورالعين في المشي الي زيارة قبرالحسين‌عليه السلام.  
[28] نك: الارض و التربة الحسينية، ص 32؛ مقتل الحسين‌عليه السلام از مقرم، ص 131.  
[29] نك، تاريخ النياحة علي الامام الشهيد، ص 120؛ المجالس السنيه، ج 5، ص 123.  
[30] درست است كه فرهنگ عاشورا كه گنجينه عظيمي براي جستجوي اسلام ناب است اما به دست دشمنان دانا و دوستان نادان دچار آفت شده و منبر گرانقدر با همه ظرفيت‌هايش در اختيار بعضي از مداحان و سخنراناني قرار گرفته كه يا از توان علمي قبل اتكايي برخوردار نيستند يا به هيچ روي، مصالح جهان اسلام و نظام اسلامي را نمي‌شناسد و پاس نمي‌دارند! و مديريت آيين عزاداري گاه در دست كساني افتاده است كه نه با حقايق ديني آشنايي عميق دارند و نه اوضاع زمانه و مصالح مهم‌تر را مي‌شناسند. و بهره‌برداري غلط و بسنده كردن به گريستن و گرياندن آن هم به هر نحوي و با استفاده از هر امكاني ولو غير شرعي در خور مجالس حسيني نيست، اما بايد قبول كرد كه اين امور دليل نمي‌شود كه اصل آن و نقش هدايتگرانه و ظرفيت بهره برادري آن را ناديده بگيريم و از مجالسي كه مي‌تواند سازنده باشد جلوگيري كنيم. بلكه لازم است زعماي ذاكران، مداحي را تحت تشكيلات مخصوصي درآورند و آگاهان و آگاهي‌بخشان با آشنايي به وظائف خود محتواي اين برنامه‌ها را به نفع مكتب تشيع و آرمان شهيدان تغيير دهند و از اين فرصت گرانبها كه بيش از هر موقعيت ديگري، شيفتگان اهل بيت را گرد هم مي‌آورد، و دل‌هاي آنان را نرم و پذيراي مواعظ و معارف مي‌نمايد، در جلوگيري از مفاسد فردي و اجتماعي مسلمانان و تجهيز نيروهاي مردمي در راه دفاع از مرزهاي جغرافيايي و دين مسلمانان بهره كافي بگيرند و در قبال مواريث عظيم و گرانقدر عاشورا رفتارهاي بسامان‌تر و سنجيده‌تري صورت دهند تا دشمنان فرصت‌طلب شيعه نتوانند از آن استفاده سوئي ببرند و اين نور را خاموش كنند. مرجعيت شيعه مي‌تواند در نظارت بر اين راه مؤثر باشد.  
[31] امالي صدوق، مجلس 27؛ بحارالانوار، ج 44، ص 285؛ عيون اخبار الرضاعليه السلام، ج 1، ص 300 - 299.  
[32] وسائل الشيعة، ج 14، ص 501.  
[33] سوره مجادله، آيه 11.  
[34] وسائل الشيعة، ج 14، ص 509.  
[35] سوره مائده، آيات 79 - 78.  
[36] امالي صدوق، مجلس 27، ح 4.  
[37] بزرگي گفته است: «اخلاص آن است كه چون عمل كني، دوست نداري تو را بدان ياد كنند و... بزرگ دارند. و طلب نكني ثواب عمل خويش از هيچ كس، مگر از حق تعالي». تذكرة الاولياء، ص 412.  
[38] نك: الشعائر الحسينيه في الميزان الفقهي از عبدالحسين حلي، تحقيق نزار حائري، ص 212-211.  
[39] اين جوابيه، در تاريخ پنجم ربيع الاول سال 1345 مرقوم شده است. نك: فتاوي علماء الدين حول الشعائر الحسينية، ص 24 - 21.  
[40] زيارت عاشورا، بحارالانوار، ج 101، ص 295.  
[41] تراكت عبارت است از كاغذهايي در يك قطع كه جملات يا طرح‌هايي بر آن نقش بسته است.  
[42] خداوند در قرآن مجيد منصب عظيم وعظ را به رسول خداصلي الله عليه وآله اعطا نموده و فرموده: قل انما اعظكم بواحدة (سوره سبأ، آيه 46)؛ ادع الي سبيل ربك بالحكمة و الموعظة الحسنة (سوره نحل، آيه 125).  
[43] سوره اسراء، آيه 36.  
[44] من نصب نفسه للناس اماما فليبدا بتعليم نفسه قبل تعليم غيره، و ليكن تأديبه بسيرته قبل تاديبه بلسانه، و معلم نفسه و مودبها احق بالاجلال من معلم الناس و مودبهم. نهج البلاغه، حكمت، ج 73. سعدي گويد: راستي كردند و فرمودند مردان خداي اي فقيه اول نصيحت گوي نفس خويش را.  
[45] سوره بقره، آيه 44.  
[46] سوره مريم، آيه 41، سوره تحريم، آيات 5 و 59 - 56، سوره يوسف، آيه 46.  
[47] سفينة البحار، ج 2، ص 473.  
[48] جامع السعادات، ج 2، ص 17 - 3.  
[49] سفينة البحار، ج 2، ص 473.  
[50] سوره ق، آيه 18.  
[51] مجموعه ورام، ج 2، ص 55؛ امالي شيخ طوسي، ج 2، ص 143.  
[52] صابر همداني، حسين پيشواي انسان‌ها، ص 53.  
[53] غيبت (نعماني)، ص 34.  
[54] لؤلؤ و مرجان، ص 14.  
[55] عطر انديشه‌هاي بهاري، حسين سيدي، ص 135.  
[56] وَلا يَسْتَحِيَنَّ اَحَدٌ مِنْكُمْ اِذا سُئِلَ عَمّا لا يَعْلَمُ اَنْ يَقُولَ لا اَعْلَمُ، نهج‌البلاغه صبحي صالح، حكمت 82؛ غرر الحكم، ص 805.  
[57] استاد جواد شبر، بخشي از مراثي سيدالشهداء را در فرهنگي قطور به نام ادب الطف در زياده از يازده جلد فراهم آورده است.  
[58] نهج البلاغه، صبحي صالح، حكمت ش 117. و چاپ فيض الاسلام، حكمت ش 113.  
[59] غرر الحكم و درر الكلم، ص 324.  
[60] بحارالانوار، ج 25، ص 286.  
[61] اللمعة البيضاء في شرح خطبة الزهراءعليها السلام، ص 64.  
[62] ولايت تكويني و ولايت تشريعي، از آيت اللَّه صافي گلپايگاني.  
[63] مثيرالاحزان، ص 55؛ تحف العقول، ص 171؛ مقتل خوارزمي، ج 2، ص 7 و 8.  
[64] دارالسلام، ج 2، ص 234.  
[65] اَسَدٌ عَفَرني: اي شديد.  
[66] ديوان السيد الحميري؛ چاپ دار صادر بيروت، ص 132 - 131 و الغدير، الجزء الثاني (جلد 3 چاپ جديد)، ص 382.  
[67] ديوان خوشدل تهراني، 745؛ اشك خون، ص 221.  
[68] سوره فصلت، آيه 23: چه كسي خوش‌گفتارتر است از آن كسي كه به سوي خدا دعوت كند و عمل شايسته انجام دهد.  
[69] نك: اكسير السعادة في اسرار الشهادة از فاضل دربندي، ص 22-17.  
[70] لؤلؤ و مرجان، ص 14.  
[71] نك: كافي، ص 431، ح 4 و 5، ص 434، وسائل الشيعه، ج 17، ص 305 - 303، ح 22599،22594 و 22600؛ تهذيب، ح 6، ص 1018 - 356، ص 357، ح 101020 - 10119، استبصار، ج 3، ص 61، ح 203؛ عيون اخبار الرضا، ج 2، ص 128؛ من لا يحضره الفقيه، ج 4، ص 58. شيخ طوسي در خلافي و ابن ادريس در سرائر، ج 2، ص 222، با جمعي ديگر در تحريم مطلق غنا نقل اجماع كرده‌اند و جمعي مانند محقق در شرايع الاسلام، ج 2، ص 10، و علّامه درالتحرير، ج 1، ص 161 - 160، قواعد الاحكام، ج 1، ص 120 و شهيد ثاني در الروضة البهية، ج 3، ص 213 - 212، تصريح به شمول تحريم غنا در قرائت قرآن و مطلق شعر فرموده‌اند و به مقتضاي عموم احاديث.  
[72] بحارالانوار، ج 75، ص 63.  
[73] همان، ج 78، ص 63.  
[74] كبريت احمر، ص 37.  
[75] واقعه، 11 - 10.  
[76] كليات سعدي، ص 164.  
[77] هگمتانه تا همدان، ص 400.  
[78] آنكه از آفريده تشكر نكند، شكر آفريدگار را هم به‌جا نياورده است.  
[79] غرر الحكم، 563.  
[80] سوره بقره، آيه 224؛ تفسير نور الثقلين، ج 1، ص 218.  
[81] وسائل الشيعة، ج 12، ص 37.